

جلسه
من

حجرت

حجرت

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: یاسر اصلانی
روابط عمومی: فاطمه محمودی
تحریریه: سهیلا سادات حسینی، فاطمه محمودی، یاسر اصلانی

ماه نامه سایس من

«فرهنگی - هنری»

وابسته به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی



وب سایت: www.sayesman.ir www.totayar.ir

@sayes_man



@totayar.ir

@nashre.tahkim.khanevade



@totayar



طراح جلد و صفحه بندی: فؤاد

رایان نامه totayar@iran.ir

Iea.iran@iran.ir

ماهنامه «سایس من» با وابستگی به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی، رسالت خود را در حوزه ی فرهنگ و هنر دنبال می کند. از این رو نام سایس به معنای «ادب آموزنده» را برای خود انتخاب کرده است. تا این سؤال را مدام از خود بپرسد که چه کسی به من ادب آموخت؟. سایس من کیست؟



با عضویت در انجمن تعلیم و تربیت اسلامی زندگی خود را سامان دهید.

انتشارات تحکیم خانواده تولید کننده محتوای استاندارد زیر نظر انجمن

بیانات در حرم مطهر رضوی

۱۴۰۲



بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا و حبيب قلوبنا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقيه الله في الارضين ارواحنا له الفداء

اولاً از پروردگار بزرگ سپاسگزاريم که بعد از یک محرومیت چندساله این توفیق را مجدداً عنایت کرد که در خدمت مردم عزیز این شهر و زوآر محترم که از نقاط مختلف کشور به اینجا تشریف آورده‌اند باشیم. تحقیقاً اینجا برترین و بهترین نقطه‌ی کشور عزیز و پهناور ما است و خدا را سپاسگزارم که در این مرکز مهم و پایگاه معنویت و محلّ تنزّل ملائکه‌ی الهی با شما مردم عزیزمان، مردم مؤمن و پُرانگیزه، مجاور و زوآر ملاقات میکنم

این دو سه سال یک ابتلاء عمومی‌ای وجود داشت که بحمدالله تا حدود قابل توجهی، تا حدود زیادی مهار شده

است. من همین جا وظیفه‌ی خودم میدانم که از همه‌ی کسانی که در مهار این بلیه‌ی عمومی و بیماری عام تلاش کردند صمیمانه تشکر کنم؛ از محققانی که در آزمایشگاه‌های مختلف کشور این ویروس منحوس را شناسایی کردند و برای آن، واکسن تهیه کردند، تا کسانی که در مراکز دارویی و بهداشتی کشور این واکسن را تولید کردند و تکثیر کردند، تا پزشکان و پرستارانی که به رساندن این واکسن به مردمان و علاقه‌مندان به تزریق واکسن کمک کردند و تلاش کردند، یا از بیمارانشان پذیرایی کردند، تا آن کسانی که به صورت داوطلب در کنار پزشک و پرستار به بیماران کمک کردند، تا آن کسانی که در تهیه‌ی لوازم مصونیت از بیماری مثل واکسن، مثل امکاناتی که لازم بود تولید بشود، همراهی کردند، کمک کردند، لازم است از همه‌ی اینها تشکر کنم. دعا کنیم خدای متعال این بلیه را از سر ملت عزیزمان و ملت‌های مسلمان و همه‌ی مردم عالم ان شاءالله مرتفع کند. اگر ان شاءالله برادران و خواهران عزیز این همه‌ی ما را یک‌خرده کاهش بدهند، من مطلبی را که آماده کرده‌ام تا به شما عرض بکنم، عرض خواهم کرد. حالا برای اینکه کمکی بشود به فرو نشاندن این همه‌ی موجود در فضا، یک صلوات بلند بفرستید

موضوعی که برای بحث امروز انتخاب کرده‌ام، از دعای اول سال گرفته شده است. در دعای تحویل سال میخوانیم: يا مَحْوِلَ الحَوْلِ وَ الاحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا اِلَى اَحْسَنِ الحَالِ. (۲) بحث امروز من عبارت است از تحوّل، یعنی تغییر حال، تغییر وضع. البته از خدا باید خواست، لکن باید تلاش کرد. دعا و تضرّع و طلب از خدای متعال غالباً آن وقتی اجابت میشود که انسان در راه آنچه از خدا خواسته

است قدم بردارد. برای شفای بیماری‌تان دعا میکنید لکن به پزشک هم مراجعه میکنید، و خدای متعال دعای شما را اجابت میکند. ما تحوّل را از خدا میخواهیم، لکن بایستی خودمان هم تلاش کنیم؛ تلاش ما است که موجب میشود خدای متعال تفضّلاتش را شامل حال ما بکند و این مطلوب را برآورده کند.

من در گذشته چند بار در سخنرانی‌های عمومی راجع به تحوّل در جامعه، در نظام، در کشور صحبت کرده‌ام؛ امروز یک مقدار با خصوصیات بیشتری در این زمینه صحبت میکنم؛ این لازمه‌ی اهمّیت مسئله است. ببینید، مسائل اساسی باید با افکار عمومی مطرح بشود، افکار عمومی با نیازهای اساسی آشنا بشوند؛ [این‌گونه] اندیشه‌ها فعال خواهد شد. اندیشه‌های نو، جوانهای صاحب فکر درباره‌ی مسائل مهمّی که با افکار عمومی مطرح میشود، فعال میشوند، آن را به نصاب لازم میرسانند؛ لذا مسائل مهم را، از جمله همین مسئله‌ی تحوّل را مطرح میکنیم. اگر افکار عمومی استقبال نکند از یک فکر، این فکر به عمل و تحقّق نمیرسد؛ صرفاً یک امواجی در فضا خواهد بود، یک چیزی انسان میگوید، بعد هم فراموش میشود؛ یا چند سطر بر روی کاغذ [خواهد بود]. برای اینکه خواسته‌ها و مطالبات بزرگ تحقّق پیدا بکند، باید با مردم، با صاحبان فکر، با افکار عمومی مردم مطرح بشود. خب، من حالا امروز این مسئله را مطرح میکنم و بعضی از زوایای این مسئله را بحث میکنم، [منتها] ادامه‌ی بحث و دنباله‌ی بحث به عهده‌ی شما است؛ به عهده‌ی شما جوانها است، به عهده‌ی شما صاحبان فکر است، به عهده‌ی شما دانشجویان و دانشگاهیان است؛ باید بنشینید بحث کنید اولین مطلبی که باید عرض بکنم در این باب، تبیین مراد

ما از تحوّل است. تحوّل یعنی چه؟ تحوّل یعنی دگرگونی. میخواهیم چه چیزی دگرگون بشود و تغییر پیدا کند؟ مهم‌ترین مسئله این است. دشمنان نظام اسلامی هم میگویند دگرگونی، آنها هم دنبال دگرگونی هستند، [اما] دگرگونی مورد نظر آنها درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که مورد نظر ما است. آنها این دگرگونی را مطرح میکنند و متأسّفانه در داخل هم بعضی‌ها به تبع آنها یا به تقلید آنها همان حرف را با تعبیرات دیگری بیان میکنند: مثلاً تغییر قانون اساسی یا تغییر ساختار نظام اسلامی؛ این همان حرف بیگانه‌ها است، همان حرف دشمنها است، منتها عنصر داخلی گاهی از روی غفلت، از روی بی‌توجهی، گاهی هم با انگیزه‌های دیگر، آن حرف را تکرار میکند. آنچه دشمن دنبالش است و اسمش را دگرگونی میگذارد، عبارت است از تغییر هویت جمهوری اسلامی. دشمنان ایران اسلامی استکبار و صهیونیسم هستند؛ اینها با هویت جمهوری اسلامی مخالفند؛ اگر میگویند تغییر، تحوّل، تغییر ساختار، انقلاب و امثال اینها، مقصودشان این است که هویت جمهوری اسلامی تغییر پیدا بکند. هدف آنها حذف همه‌ی چیزهایی است که مردم را به یاد انقلاب و به یاد اسلام می‌اندازد؛ اسلام ناب و اسلام انقلابی. آنها با تکرار نام امام مخالفند، با مطرح شدن تعالیم امام مخالفند، با مسئله‌ی ولایت فقیه مخالفند، با بیست‌ودوم بهمن مخالفند، با روز قدس مخالفند، با انتخابات در جمهوری اسلامی و حضور پُرشور مردم مخالفند، با هر چیزی که نشانه‌ای از اسلام انقلابی و جمهوری اسلامی در آن پُررنگ است مخالفند؛ نظرشان تغییر این چیزها است. اگر اسم تغییر ساختار می‌آورند، اسم تحوّل می‌آورند، مقصودشان این است که اینها را که اتفاقاً اینها همه نقاط قوّت کشور ما است، نقاط قوّت جمهوری اسلامی است، میخواهند حذف کنند.

اقدامات تحوّل است؛ ملّتی که اعتماد به نفس دارد، میتواند اقدامات تحوّل را بخوبی به سرانجام برساند؛ مسئولان این ملّت هم جرئت میکنند که دم از تحوّل بزنند و اقدام به تحوّل بکنند. خب، ملّت ما بحمدالله از اعتماد به نفس برخوردار است؛ ملّت ما، ملّتی است دارای عزّت نفس، دارای اعتماد به نفس، استقلال خواه، شجاع که حالا نمونه‌هایش را همه‌ی شماها دیده‌اید و من هم یک چند نمونه‌ای بعداً عرض خواهم کرد. ملّت ما در عرصه‌های مختلف نشان داده که به خودش اعتماد دارد، به توانایی‌های خودش اعتماد دارد

این یک چیز که اگر بخواهیم تحوّل انجام بگیرد، نیاز داریم به اعتماد به نفس ملّی؛ این یک. ثانیاً نیاز داریم به هوشیاری. اگر هوشیار نباشیم، غافل باشیم، به عنوان تحوّل، به نام تحوّل ممکن است به نقاط قوّت خودمان ضربه بزنیم؛ انسان این را گاهی مشاهده میکند. بعضی هستند دلسوز نظام، علاقه‌مند به نظام اسلامی و به انقلاب اما گاهی غفلت میکنند، برای اینکه یک حرکت خوب را، حرکت اصلاحی را انجام بدهند، بی‌دقتی میکنند و به نقاط قوّت ضربه وارد میکنند. باید ملاحظه کرد که به نقاط قوّت ضربه وارد نشود. خب این نکته را در نظر داشته باشید.

اگر بخواهیم به نقاط قوّت‌مان ضربه وارد نشود، باید نقاط قوّت را بشناسیم. نقاط قوّت جامعه‌ی ما چیست؟ باید درست شناسایی کنیم، دقت کنیم، بشناسیم. من یکی دو مورد را عرض میکنم. البته اینها بحثهای طولانی و مفصّلی است؛ باید صاحبان فکر، بخصوص [شما] جوانها بنشینید فکر کنید و روی اینها کار کنید. جوانهای عزیز! توقع من از شما خیلی زیاد است. (۳) (خیلی ممنون، توجه کنید!)

به طور خلاصه، هدف دشمن تبدیل مردم‌سالاری اسلامی به یک حکومت باب میل استکبار است. آنها در ایران دنبال این هستند که یک حکومتی اینجا سر کار بیاید که باب میل استکبار باشد: یا یک حکومت فردی که یک فرد مطیع آنها بر سر کار باشد، یا یک حکومت بظاهر دموکراسی غربی که [در واقع] دموکراسی دروغ و فریب است، سر کار بیاید، منتها زیر نگیان آنها، در مشت آنها که بر طبق میل آنها حرکت بکند و تحت فرمان آنها باشد؛ خواستار این هستند. استکبار در ایران خواستار یک حکومتی است که بتواند او را تهدید کند یا تطمیع کند و با تهدید و تطمیع بتواند خواسته‌های خودش را انجام بدهد، کشور را غارت کند، تسلّط سیاسی یا اقتصادی پیدا کند؛ دنبال این هستند. تغییری که دشمن [از آن] اسم می‌آورد، تحوّل که دشمنان جمهوری اسلامی مطرح میکنند، این جور تغییری است

آنچه بنده به عنوان تحوّل عرض میکنم، بکلی متفاوت است با این تحوّل که گاهی در زبان دشمنان تکرار میشود. آنچه بنده از کلمه‌ی تحوّل به عنوان تحوّل اراده میکنم، عبارت است از تغییر بخشها و نقاط معیوب؛ چه در نظام اسلامی، چه در جامعه‌ی ایرانی. ما نقاط معیوب داریم، بخشهای ضعیف داریم، ضعفهایی داریم؛ این ضعفها را باید شناسایی کنیم، این نقاط را باید مشخص کنیم و با اراده‌ی قاطع — که حالا خواهم گفت که کار آسانی هم نیست — ضعفها را برطرف کنیم و تبدیل به قوّت کنیم. که بعضی از مثالهایش را بعداً عرض خواهم کرد

البته این کار دشوار و سنگینی است و احتیاج دارد به اعتماد به نفس ملّی. اگر یک ملّتی به استعدادهای خود اعتماد دارد، به توانایی‌های خود اعتماد دارد، قادر به

من امروز فقط یک گوشه‌ای از این نقاط قوت را مختصری عرض میکنم، بقیه‌اش به عهده‌ی شما

یکی از مهم‌ترین نقاط قوت ملت ایران و جامعه‌ی اسلامی ما این است که بنیه‌ی درونی جامعه‌ی اسلامی ما قوی و مستحکم است؛ روی این فکر کنید؛ این خیلی مهم است؛ استحکام بنیه‌ی درونی نظام اسلامی و ملت ایران. من قبلاً هم چندی پیش در یک سخنرانی (۴) یک اشاره‌ای به این قضیه کردم؛ الان یک مقداری بیشتر درباره‌ی آن توضیح عرض میکنم. این استحکام بنیه‌ی نظام اسلامی، این قوت بنیه‌ی نظام اسلامی، ناشی از ایمان است. مردم ایران مردم مؤمنی هستند؛ حتی آن کسانی که ممکن است به چشم به نظر برسد که به بعضی از احکام اسلامی پایبندی درستی ندارند، ایمان قلبی‌شان خوب است؛ به خدا ایمان دارند، به دین ایمان دارند، به قرآن ایمان دارند، به ائمه‌ی هدی [ایمان دارند؛ مردم باایمانی هستند. ملت ایران باایمان است، با عزت نفس است، با اعتماد به نفس است؛ اینها موجب شده است که ساخت درونی ملت ایران و نظام اسلامی استحکام پیدا کند. این استحکام را از کجا میتوانیم بشناسیم و ببینیم و درست لمس کنیم؟ نشانه‌ی این استحکام چیست؟ من دو سه مورد از این نشانه‌ها را عرض میکنم

اولین نشانه، غلبه‌ی ملت ایران بر زنجیره‌ی خصومت‌های پی‌درپی چندده‌ساله است. شما کدام کشور را سراغ دارید، کدام انقلاب را سراغ دارید که توانسته باشد سال‌های متمادی در مقابل ضربات قدرتمندترین کشورهای دنیا بایستد، مقاومت کند و به زانو در نیاید؟ ملت ایران در مقابل این زنجیره‌ی طولانی توطئه‌های دشمن و حيله‌های

دشمن توانست محکم بایستد؛ در مقابل کودتا، در مقابل تحریم، در مقابل فشارهای سیاسی، در مقابل تهاجم رسانه‌ای؛ این تهاجم رسانه‌ای که برای ایران‌هراسی و انقلاب‌هراسی در دنیا راه انداخته‌اند، بی‌سابقه است؛ چنین چیزی هرگز وجود نداشته. در مقابل توطئه‌های امنیتی کدام ملت بجز ملت ایران میتواند یا توانسته در مقابل اینها ایستادگی کند؟ این، استحکام درونی است؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که بنیه‌ی ملت ایران یک بنیه‌ی قوی است. یک مثال واضح جلوی چشم همه، در همین اغتشاش‌های اخیر [است] که چند ماه قبل از این، اغتشاش راه انداختند و همه هم وارد شدند؛ ببینید! اینها نکات مهمی است. رئیس‌جمهور کشور مثل آمریکا صریحاً از اغتشاش‌های درونی کشور پشتیبانی کرد. رؤسای جمهور و رؤسای دولت بعضی از کشورهای اروپایی هم صریحاً از این اغتشاش‌ها — که یک درصد بسیار اندکی از ملت ایران بودند؛ خیلی خیلی خیلی کم — حمایت کردند؛ نه فقط حمایت زبانی، [بلکه] حمایت تسلیحاتی کردند، حمایت مالی کردند، حمایت امنیتی کردند. انواع و اقسام کمک را به این اغتشاش‌ها کردند؛ یعنی در واقع خودشان را آماده کردند برای اینکه به خیال خودشان جمهوری اسلامی را اقللاً ضعیف کنند. هدف، ضعیف کردن جمهوری اسلامی بود، اما آنچه در صحنه اتفاق افتاد، درست بعکس آن چیزی بود که آنها خواسته بودند. جمهوری اسلامی نشان داد که قوی است، ضعیف نیست. بر یک چنین اغتشاشی، بر یک چنین توطئه‌ی جهانی‌ای فائق آمد و به دنیا نشان داد که قوی است. بیست‌ودوم بهمن سال ۱۴۰۱، از همه‌ی بیست‌ودوم بهمن‌های این چند سال قبل پرشورتر و پرجمعیت‌تر بود؛ این نشان‌دهنده‌ی استحکام درونی ملت ایران است. [پس] گفتیم ملت ایران دارای استحکام و بنیه‌ی قوی است؛ یک

دشمن توانست محکم بایستد؛ در مقابل کودتا، در مقابل تحریم، در مقابل فشارهای سیاسی، در مقابل تهاجم رسانه‌ای؛ این تهاجم رسانه‌ای که برای ایران هراسی و انقلاب‌هراسی در دنیا راه انداخته‌اند، بی‌سابقه است؛ چنین چیزی هرگز وجود نداشته. در مقابل توطئه‌های امنیتی کدام ملت بجز ملت ایران می‌تواند یا توانسته در مقابل اینها ایستادگی کند؟ این، استحکام درونی است؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که بنیه‌ی ملت ایران یک بنیه‌ی قوی است. یک مثال واضح جلوی چشم همه، در همین اغتشاش‌های اخیر [است] که چند ماه قبل از این، اغتشاش راه انداختند و همه هم وارد شدند؛ ببینید! اینها نکات مهمی است. رئیس‌جمهور کشوری مثل آمریکا صریحاً از اغتشاش‌های درونی کشور پشتیبانی کرد. رؤسای جمهور و رؤسای دولت بعضی از کشورهای اروپایی هم صریحاً از این اغتشاشها — که یک درصد بسیار اندکی از ملت ایران بودند؛ خیلی خیلی خیلی کم — حمایت کردند؛ نه فقط حمایت زبانی، [بلکه] حمایت تسلیحاتی کردند، حمایت مالی کردند، حمایت امنیتی کردند. انواع و اقسام کمک را به این اغتشاشها کردند؛ یعنی در واقع خودشان را آماده کردند برای اینکه به خیال خودشان جمهوری اسلامی را اقللاً ضعیف کنند. هدف، ضعیف کردن جمهوری اسلامی بود، اما آنچه در صحنه اتفاق افتاد، درست بعکس آن چیزی بود که آنها خواسته بودند. جمهوری اسلامی نشان داد که قوی است، ضعیف نیست. بر یک چنین اغتشاشی، بر یک چنین توطئه‌ی جهانی‌ای فائق آمد و به دنیا نشان داد که قوی است. بیست‌ودوم بهمن سال ۱۴۰۱، از همه‌ی بیست‌ودوم بهمن‌های این چند سال قبل پُرشورتر و پُرجمعیت‌تر بود؛ این نشان‌دهنده‌ی استحکام درونی ملت ایران است. [پس] گفتیم ملت ایران دارای استحکام و بنیه‌ی قوی است؛ یک

نشانه این که گفتم ایستادگی و مقاومت در مقابل توطئه‌های بزرگ.

یک نشانه‌ی دیگر، پیشرفتهای بزرگ ملت ایران است. نمی‌خواهند بگذارند این حرفها تکرار بشود. دشمن از تکرار این حرفها، از بیان این حرفها بشدت ناراحت و ناراضی است اما واقعیت است. ما پیشرفتهایی پیدا کرده‌ایم که من حالا گذرا به بعضی اشاره میکنم، و همه‌ی این پیشرفتها در دوران تحریم بود، در دوران محاصره‌ی اقتصادی بود، در دوران شدیدترین فشارهای اقتصادی‌ای بود که تا آن زمان اتفاق افتاده بود؛ این را خود آمریکایی‌ها گفتند؛ آمریکایی‌ها گفتند که فشار اقتصادی‌ای که روی ایران گذاشتیم، در طول تاریخ بی‌سابقه است؛ راست می‌گویند، با همه‌ی دروغ‌گویی‌شان این حرف را راست گفتند؛ بی‌سابقه‌ترین فشار اقتصادی بود. در چنین شرایطی ملت ایران پیشرفت پیدا کرد. در حوزه‌ی علم پیشرفت پیدا کرد، در حوزه‌ی فناوری پیشرفت پیدا کرد، در بعضی از حوزه‌های علمی در ردیفهای اول دنیا قرار گرفت؛ یک جا جزو پنج کشور اول دنیا، یک جا جزو ده کشور اول دنیا، یک جا جزو سه کشور اول دنیا؛ در بین دویست کشور. پیشرفتهای علمی ما، پیشرفتهای فناوری ما این‌جوری است؛ در نانو، در زیست‌فناوری، در بخشهای مختلف؛ در بخش سلامت، پیشرفتهای ایران از بسیاری از کشورهای پیشرفته‌ی دنیا بهتر بوده؛ در قضیه‌ی کرونا این قضیه خودش را نشان داد؛ در بخش هسته‌ای، در بخش هوافضا، در بخش دفاعی؛ که این [پیشرفت] بخش دفاعی را همه‌ی آنها دارند می‌گویند و اعتراف میکنند؛ برای اینکه بتوانند یک آتویی علیه جمهوری اسلامی درست کنند، اعتراف میکنند که ایران از لحاظ دفاعی، از لحاظ تسلیحات جلو رفته. در بخش زیست‌فناوری،

ملت ایران موجب شد که ما بتوانیم در بخشی از پیمانهای منطقه‌ای مهم و مؤثر عضو بشویم؛ منزوی که نشدیم، بعکس، مطرح شدیم و روابطمان با دولتهای منطقه و ملتهای منطقه تقویت شد. ارتباطات قوی با آفریقا و آمریکای لاتین جزو برنامه‌های حتمی ما است و ان‌شاءالله این برنامه را دنبال خواهیم کرد. البته با اروپا هم قهر نیستیم؛ با هر کدام از کشورهای اروپایی و دولتهای اروپایی هم که سیاستهای آمریکا را کورکورانه تبعیت نکنند، حاضریم کار کنیم.

این پیشرفتهای پیدا شده است. این پیشرفتهای نشانه‌ی ساخت محکم و مستحکم بنیه‌ی ملت ایران و نظام اسلامی است. این پیشرفتهای در سایه‌ی ایمان به وجود آمده است، در سایه‌ی احساس عزت ملی، در سایه‌ی احساس نیاز به توان داخلی؛ یعنی ملت ما و مسئولان ما احساس کردند که به توان داخلی احتیاج دارند؛ قبلاً تکیه به دیگران بود، به خارجی‌ها بود، فهمیدند که این تکیه به دیگران اعتبار ندارد؛ یک روز هست، یک روز نیست؛ باید به توان داخلی اعتماد کرد. ما وقتی که «اقتصاد مقاومتی» را اعلام کردیم، گفتیم اقتصاد مقاومتی «درون‌زا» و «برون‌گرا» است؛ (۶) درون‌زا است، یعنی توان و استعداد و ظرفیت درونی بایستی در خدمت اقتصاد قرار بگیرد و البته برون‌گرا است، یعنی با همه‌ی کشورها آماده‌ی ارتباطات اقتصادی هستیم. این را احساس کردیم؛ هم ملت ایران احساس کرد، هم جوانهای ما احساس کردند، هم مسئولان ما احساس کردند که احتیاج دارند به توان درونی خودشان تکیه کنند.

پس بنابراین، نقاط قوت ما زیاد است که استحکام داخلی را گفتم، پیشرفتهای ما را [هم] گفتم؛ اینها وجود دارد، موارد

پیشرفت فراوان [داشته‌ایم]. دنیا ما را تحسین کرد، دانشمندان دنیا دانشمندان ما را تحسین کردند، دانشمندان جوان ما را تحسین کردند.

پیشرفت در حوزه‌ی زیرساخت‌های کشور؛ در جاده، در ریل، در سدسازی، در آب‌رسانی — [مثل] همین آب‌رسانی غدیر که [افتتاحش] اخیراً انجام گرفت (۵) — در ساخت پالایشگاه، در ساخت بیمارستان؛ که بسیاری از اینها در همین ۱۴۰۱ انجام گرفته است؛ که یک قسمتی، یک بخشی در پارس جنوبی تماماً از صفر تا صدش ایرانی است؛ این [پیشرفت] اتفاق افتاد؛ کی؟ در وقتی که این‌همه تحریم هست، این فشار اقتصادی هست. [پیشرفت] در تولید گاز مایع که یکی از کارهای بسیار مهم بود — که یک گشایشی برای کشور به وجود می‌آورد ان‌شاءالله — در همین دوران اخیر به وجود آمد؛ در دورانهای گذشته هم کارهای مفصلی انجام گرفته است.

پیشرفت در حوزه‌ی روابط خارجی. غربی‌ها فشار آوردند که ایران را منزوی کنند؛ آمریکا و اروپایی‌ها فشار آوردند که ایران منزوی بشود. «انزوا» در اصطلاح سیاست خارجی یعنی قطع رابطه‌ی با کشورها؛ [وقتی] کشورها با یک کشوری رابطه نداشته باشند، می‌گویند منزوی شد؛ آنچه اتفاق افتاد، نتیجه‌ی عکس داد. بله، رابطه‌ی ما با غربی‌ها ضعیف شد — با آمریکا که رابطه نداشتیم، با اروپا هم رابطه‌ی ما ضعیف شد — اما ما رابطه‌ی خودمان را با آسیا صد درصد محکم‌تر کردیم؛ بعد از این هم همین را ادامه خواهیم داد؛ ما ارتباطات سیاسی و اقتصادی و فنی و علمی خودمان را با بخش مهم کشورهای آسیا ادامه خواهیم داد. در بخشی از پیمانهای مهم عضو شدیم؛ دشمن میخواست ما را منزوی کند، تلاش و توانایی‌های

مشاهده میکنیم. مهم‌ترین مشکل ما «دولتی بودن اقتصاد» است.

در ارائه و اعلام سیاستهای اقتصادی اصل ۴۴ با کمک کارشناسان متعدد با دقت روی این کار کردیم — یعنی کارشناسها کار کردند — و سیاستها ابلاغ شد. بنای این سیاستها بر این بود که ما مدیریتها و فعالیتهای اقتصادی مورد نیاز مردم را به مردم بسپاریم؛ البته بعضی از بخشها هست که یا مردم طالب آن نیستند یا حتماً باید در اختیار دستگاههای دولتی باشد؛ آنها به کنار، اما بخشهای مهم اقتصاد باید در اختیار مردم باشد. بارها این را تکرار کردیم که بنگاههای دولتی، شرکتهای دولتی، شرکتهای شبه‌دولتی — که با تعبیر زشت «خصوصیتی» از آنها یاد میکنند که تعبیر خوبی نیست؛ [بلکه] شبه‌دولتی است — باید با بنگاههای خصوصی رقابت نکنند و بگذارند تولید را مردم انجام بدهند. ما آن روزی که همه‌ی سررشته‌ی کارها را دست دولت دادیم، به این نیت این کار را کردیم که عدالت اقتصادی برقرار بشود؛ و عدالت اقتصادی برقرار نشد. به خطا خیال میکردند که اگر چنانچه کلید اقتصاد دست دولت باشد، عدالت اقتصادی به وجود می‌آید؛ این اشتباه بود و چنین چیزی اتفاق نیفتاد. دولت تصدی‌گری را بایستی کم کند، نظارت را باید زیاد کند؛ دخالت را کم کند، نظارت را زیاد کند؛ مراقبت کنند. یکی از عیوب بزرگ اقتصاد ما، شاید بزرگ‌ترین عیب اقتصاد ما این است؛ این را به هر کدام از دولتهای متعدد که سر کار آمدند سفارش شده که واگذار کنید؛ این واگذاری‌ها بعضی انجام نگرفت، بعضی‌ها به شکل غلط انجام گرفت. به جای اینکه به سود مردم واگذار بشود، در مواردی به ضرر مردم واگذار شد. این موجب شد که این کار انجام نگیرد. امروز هم یکی از کارهای اساسی‌ای که دولت

زیادی هم هست که مجال گفتنش و بحث کردنش در اینجا دیگر نیست. اینها قوت‌های ما است؛ اینها نباید ضربه ببینند. نظام اسلامی «جمهوری اسلامی» است؛ نه «جمهوری» باید ضربه ببیند، نه «اسلامی» باید ضربه ببیند. اینها نقاط قوت است. در هر تحویلی، روی این نقاط قوت باید تکیه کرد، آنها را باید افزایش داد، نقاط قوت را باید برجسته‌تر کرد و گسترده‌تر کرد، اما در کنار اینها نقاط ضعفی هم وجود دارد. تحوّل، ناظر به تغییر نقاط ضعف است. من در مورد نقاط ضعف هم کوتاه صحبت میکنم، دو سه مورد را عرض میکنم.

اگر ما در کشورمان چهار پنج نقطه ضعف مهم داشته باشیم، در رأس همه‌ی اینها مسئله‌ی اقتصاد کشور است. اقتصاد کشور انصافاً یکی از نقاط ضعف ما است. [البته] بسیاری از سیاستهای اقتصادی میراث گذشتگان است؛ «گذشتگان» یعنی گذشتگان قبل از انقلاب، بعضی هم بعد از انقلاب پدید آمده؛ بعضی از این مشکلات اقتصادی و زیرساخت‌های اقتصادی اساسی مربوط به قبل انقلاب است، بعضی مربوط به بعد از انقلاب است.

شاید بشود گفت مهم‌ترین مشکل اقتصاد ما تصدی‌گری دولتی است. بیشترین توجه ما در دهه‌ی ۶۰ به این مسئله بود که کلید اقتصاد کشور را به دولت بسپاریم؛ این به اقتصاد ما ضربه زد؛ این مربوط به خود ما است، ما خودمان کردیم. شاید مهم‌ترین نقطه ضعف اقتصاد ما تصدی‌گری افراطی دولت است. وقتی که مردم از مدیریت اقتصادی و فعالیت اقتصادی کنار میمانند، کارهای بزرگ، شرکتهای مهم، تولیدهای ثروت‌ساز برای کشور در اختیار دولت قرار میگیرد و در اختیار فعالان اقتصادی از مردم قرار نمیگیرد، همین مشکلاتی پیش می‌آید که ما امروز در اقتصادمان

اینها مسائل اساسی ما است و مایلیم افکار عمومی این مطالب را مورد توجه قرار بدهد، در افکار عمومی تصویب بشود و منتشر بشود — یکی از مهم‌ترین مسائلی که ما نیاز داریم برای اینکه وضع اقتصاد کشور بهتر بشود، رشد مستمر و سریع است. رشد اقتصادی ما ضعیف بوده. ما در سیاستهای اقتصادی‌ای که به دولتها اعلام کردیم، رشد هشت درصدی را اعلام کردیم؛ در حالی که در بسیاری از سالهای دهه‌ی ۹۰ رشد ما زیر صفر بوده است. در مجموع هم وقتی که تحویل و تحوّل دولت انجام گرفت، رشد بسیار پایین بود؛ حالا رقمهای دقیقش را نمیخواهم عرض بکنم، مثلاً حدود یک درصد یا کمتر. ما به رشد اقتصادی سریع و مستمر احتیاج داریم؛ نه اینکه یک سال رشد داشته باشیم، بعد مجدداً توقف داشته باشیم. ما کی میتوانیم این رشد سریع و مستمر را به دست بیاوریم؟ آن وقتی که با کمک و هدایت مردم بتوانیم تولید را افزایش بدهیم. مسئولان محترم دولتی و همچنین نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی بایستی مردم را به ایفای نقش مؤلّد در اقتصاد ترغیب کنند و آنها را هدایت کنند؛ برای بخش خصوصی اعتماد ایجاد کنند که سرمایه‌گذاری کند، کارآفرینی کند؛ بخش خصوصی میتواند. در سال ۱۴۰۱، در بهمن ماه گذشته، عده‌ای از فناوران مهمّ کشور با بنده در حسینیه ملاقات کردند؛ (۷) بعضی از آنها صحبت کردند؛ مطالبی که گفتند، حقایقی که گفتند و نمونه‌هایی که در آنجا نشان دادند، حیرت‌آور است؛ یعنی این، توانایی ملت ایران را نشان میدهد. ما توانایی زیادی داریم، میتوانیم کارهای بزرگی انجام بدهیم. اگر از توانایی ملت در قضیه‌ی اقتصاد استفاده بشود وضع معیشت مردم حتماً بهتر خواهد شد، وضع تورّم حتماً بهتر خواهد شد. ما شعار سال را، از جمله، مهار تورّم قرار دادیم و رشد تولید؛ (۸) «مهار تورّم و رشد تولید». مهار تورّم متوقف

محترم باید انجام بدهد، این است که با دقت، با مراقبت، با نظارت لازم مدیریتهای اقتصادی را به خود مردم بسپارد.

عیب مهمّ دیگر اقتصاد ما وابستگی به صادرات نفت خام است. ما نفت خام را صادر میکنیم، در حالی که اختیار نفت خام در دست ما نیست. آن کسی که نفت ما را وارد میکند — آن وقتی که اروپایی‌ها نفت ما را میخریدند و وارد میکردند — او از این واردات نفت سود بیشتری میبرد از ما که نفت متعلّق به ما بود و آن را از چاههای نفت بیرون آورده بودیم و به او فروخته بودیم. مالیاتی که او میگرفت و استفاده‌ای که او میکرد، از صاحبان نفت بیشتر بود؛ الان هم همان جور است. ما بایستی بند ناف اقتصاد را از صادرات نفت خام بترسیم و بیشتر به فعالیتهای غیر نفتی [بپردازیم]. که خب خوشبختانه آن طوری که در گزارشها وجود دارد، حرکت به سمت افزایش صادرات غیر نفتی و فعالیتهای اقتصادی غیر نفتی شروع شده و کارهای خوبی دارد انجام میگیرد.

یکی از مشکلات اقتصاد ما وابستگی به دلار است. بعضی از کشورهایی که تحریم شدند، وابستگی خودشان را به دلار قطع کردند، وضعشان بهتر شد. ما الان کشورهایی را می‌شناسیم — نمیخواهم اسم بیاورم — که مورد تحریمهای شدید غرب قرار گرفتند و رابطه‌شان با سوئیفت — که یک ساز و کار بین‌المللی غربی است — قطع شد، دلار را کنار گذاشتند، با پولهای محلی معامله کردند و صادرات و واردات انجام دادند، وضعشان بهتر شد؛ این کار را ما هم باید بکنیم.

یکی از چیزهایی که در باب اقتصاد باید عرض بکنم — که

کمک به شرکتهای دانش‌بنیان که من سال گذشته توصیه کردم، و خوشبختانه تحقق پیدا کرد؛ اگر چه به قدری که ما خواسته بودیم انجام نشد اما توسعه پیدا کرد. شرکتهای دانش‌بنیان کارهای زیادی کردند؛ هم تلاششان زیاد شد، هم فراورده‌هایشان بیشتر شد، هم درآمدهایشان بیشتر شد؛ [ایجاد] بنگاه‌های کوچک، دانش‌بنیان کردن کارخانجات بزرگ؛ اینها اقدامات مفیدی است که به این تحوّل کمک میکند.

یک بخش دیگری که احتیاج به تحوّل دارد که باید مورد توجه برادران و خواهران عزیز نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی قرار بگیرد، تحوّل در بخش تقنین است؛ قانونگذاری. سیاستهای کلی تقنین ابلاغ شده است؛ (۱۰) این سیاستها بایستی مورد توجه قرار بگیرد و قانونگذاری به شکل کامل و سنجیده‌تر از آنچه امروز انجام میگیرد، انجام بگیرد. و یکی از چیزهایی که غالباً بین قوه‌ی مجریه و قوه‌ی مقننه در دولتهای مختلف، در همه‌ی دوره‌ها اختلاف بوده است — حالا که بحمدالله دو قوه با هم کار میکنند و به هم نزدیکند — از جمله همین دوره‌ی کنونی، این شکوه وجود دارد که گاهی در قانون بودجه‌ی سالانه در مجلس، هزینه‌های قطعی تصویب میشود و درآمدهای غیر قطعی در مقابل آن قرار داده میشود؛ که این منجر میشود به کسری بودجه؛ کسری بودجه هم همچنان که گفتیم، یکی از بلاهای بزرگ اقتصادی است؛ که اینها هم نبایستی انجام بگیرد. ضعفهای دیگری هم در زمینه‌های گوناگون داریم که پرداختن به آنها را ان‌شاءالله میگذاریم برای فرصتهای دیگر.

نقطه‌ی مقابل حرکت تحوّل در کشور — که هدف این حرکت تحوّل، تقویت نقاط قوت و برطرف کردن نقاط

یکی از اشکالات مهمی که ما داریم، این است که روی راه‌های مشارکت مردم فکر نکرده‌ایم. من همین جا به مسئولین محترم، به صاحب‌نظران اقتصادی، به کسانی که علاقه‌مند به سرنوشت کشورند توصیه میکنم بنشینند راه‌های مشارکت عموم مردم در مسائل اقتصادی را پیدا کنند. هر جا مردم وارد شده‌اند ما پیشرفت کرده‌ایم. در دفاع مقدّس مردم وارد شدند، ما پیروز شدیم؛ در مسائل سیاسی کشور مردم هر جا وارد شدند ما پیروز شدیم؛ در مسائل اقتصادی هم همین جور است؛ [اگر] مردم وارد بشوند، آحاد مردم وارد بشوند، ما پیروز خواهیم شد، موفق خواهیم شد؛ منتها مردم چه جور وارد بشوند؟ باید نقشه‌ی ورود مردم در حوزه‌ی اقتصادی را به مردم نشان داد. من البته در سالهای گذشته بر روی [ایجاد] شرکتهای کوچک و کمک به شرکتهای کوچک تکیه کرده‌ام، توصیه کرده‌ام؛ (۹) تجربه‌های ناموفقی هم در این مورد وجود داشت؛ کارهایی انجام گرفت که کارهای کامل و سنجیده‌ای نبود؛ باید از این قبیل کارها انجام بگیرد.

یکی از مشکلات اقتصاد ما کم‌تحرکی در تجارت خارجی است. ظرفیت تولید ما در داخل زیاد است؛ چه در بخش کشاورزی، چه در بخش صنعتی؛ بازارهای دنیایی هم بسیار وسیع است. ما میتوانیم تجارت خارجی‌مان را افزایش بدهیم، پیش ببریم و آن کاری را که حقیقتاً به طور مستقیم به معیشت مردم و سفره‌ی مردم ارتباط پیدا میکند، ان‌شاءالله سامان بدهیم که یکی از کارهای مهم است. ما امروز در تجارت خارجی تحرکمان کم است؛ روشهایمان بعضاً روشهای نادرستی است؛ اینها به تحوّل نیاز دارد؛ احتیاج به تحوّل دارد. یکی از موارد تحوّل همین مسئله‌ی تجارت خارجی است.

درست کار کند. می‌خواهند اختلاف افکنی کنند، می‌خواهند در کشور دوقطبی ایجاد کنند؛ می‌خواهند نرم‌افزار واقعی قدرت ملی کشور را از دست ملت بگیرند، بی‌اثر کنند؛ این نرم‌افزار عبارت است از ایمان مردم، ارزشهای دینی مردم، ارزشهای ملی مردم، اعتقادهای مردم. وقتی این کارها را انجام دادند، دنبال این هستند که در کشور بی‌ثباتی به وجود بیاید، ناامنی به وجود بیاید، اگر بتوانند جنگ داخلی ایجاد کنند؛ که البته سرشان به سنگ خورده است و خواهد خورد.

در جنگ ترکیبی، دشمن از رسانه استفاده میکند، از عامل فرهنگی استفاده میکند، از عامل امنیتی استفاده میکند، از نفوذ استفاده میکند، از عامل اقتصادی استفاده میکند؛ از همه‌ی این عوامل استفاده میکند برای اینکه ملت را در محاصره قرار بدهد، برای اینکه ملت را دچار یأس کند، ملت را از نیروی خودش غافل کند. سعی میکنند ملت را از راه‌های اطلاع‌رسانی جدا کنند. خب، ما وسایل اطلاع‌رسانی به مردم را داریم؛ اینها را بدبین میکنند: به رادیو تلویزیون گوش ندهید، خبرهایش خلاف واقع است؛ به گزارش مسئولین توجه نکنید، گزارششان خلاف واقع است؛ به حرفهای رهبری گوش نکنید، حرفهای رهبری تکراری است؛ تکراری است؟ سالها است که جبهه‌ی دشمن با صدای بلند اعلام میکند که می‌خواهیم جمهوری اسلامی را به زانو در بیاوریم، رهبری در مقابل میگوید «غلط میکنید»؛ این تکرار نیست؛ این استقامت است. خدای متعال به ما دستور داده است — دستور به پیغمبر دستور به همه است، دستور به ما است — که «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرَتْ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ»؛ (۱۲) این استقامت است، این سخن حق را در دل نگه داشتن و حفظ کردن و پای آن ایستادن است؛ این تکرار نیست.

ضعف است — سیاست دشمنان اسلام و دشمنان جمهوری اسلامی است؛ اینها درست نقطه‌ی مقابل این حرکت تحوّل‌ی تلاش میکنند و کار میکنند و اقدام میکنند؛ که هدفشان هم ضربه زدن به نقاط قوت است، همچنان که قبلاً اشاره کردم؛ ما ناچار باید اینها را با مردم در میان بگذاریم، مردم باید بدانند. آن روزی که صدام در [دوران] دفاع مقدّس به ما حمله کرد، همان روز اطلاع‌رسانی شد و به مردم گفتیم که در کشور جنگ شده است، یعنی افکار عمومی در جریان حادثه‌ی بزرگ جنگ قرار گرفت البته امروز در این جنگ ترکیبی موجود، حمله‌ی نظامی نیست؛ دشمن حمله‌ی نظامی نمیکند، کارهای دیگر میکند؛ اینجا هم اطلاع‌رسانی لازم است، تا مردم بدانند که دشمن از چه راه‌هایی و با چه سیاستهایی وارد میشود، و با روشن‌بینی به حوادث نگاه کنند. وقتی که مردم عزیز ما با اوضاع آشنا شدند، هر حادثه‌ای پیش بیاید، با روشن‌بینی به آن حادثه نگاه میکنند.

بله، در جنگ ترکیبی، حمله‌ی نظامی نیست اما حمله به باورهای دینی و سیاسی است؛ حمله‌ی دشمن به باورهای دینی و باورهای سیاسی است. اینکه در سوره‌ی «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» می‌گویید: «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ، الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ»، (۱۱) خناسش همین تبلیغاتچی‌های خارجی و دنباله‌روهای آنها در داخل هستند؛ وسوسه میکنند، حقایق را دگرگون نشان میدهند؛ هدفشان سست کردن اراده‌ی ملت است، هدفشان خاموش کردن امیدها است، می‌خواهند شعله‌ی امید را در دل جوانان ما خاموش کنند، جوان را مأیوس کنند. یأس یعنی بن‌بست؛ وقتی که جوان از پیشرفت مأیوس شد، از آینده مأیوس شد، احساس بن‌بست میکند؛ از کسی که احساس بن‌بست میکند، نمیشود توقع داشت

میکنیم؛ آب را اسراف میکنیم، نان را اسراف میکنیم، برق را اسراف میکنیم، گاز را اسراف میکنیم؛ مسرفانه عمل میکنیم. بعضی از کشورهایی که چند برابر ما جمعیت دارند، مصرف گازشان از ما کمتر است، مصرف بنزینشان از ما کمتر است. مصرف بنزین ما بالا است، مصرف گاز ما بالا است؛ مسرفانه عمل میکنیم. آب را هدر میدهیم، نان را دور میریزیم؛ این عیب بزرگی است؛ این را باید برطرف کنیم. من چند سال قبل از این، روی این به طور خاص تکیه کردم.

یکی از مشکلات دیگر بین ما مردم تجمل‌گرایی افراطی است؛ تجمل‌گرایی. همین است که ازدواجها مشکل شده؛ جوان در سن ازدواج — چه دختر، چه پسر — قادر به ازدواج نیست؛ چرا؟ چون پدر و مادرش دچار رودربایستی قوم‌خویش‌ها هستند؛ مهریه‌ی فلان جور، جهیزیه‌ی فلان جور، تجملات فلان جور، مهمانی فلان جور! هزینه‌های ازدواج بالا رفته. از این مسابقه‌ی تجمل‌گرایی باید بیرون بیایید؛ یک عده‌ای در تجمل‌گرایی مسابقه راه انداخته‌اند؛ باید خودتان را از این مسابقه خارج کنید. این یکی از عیوب کار ما است.

یکی دیگر از عیوب مهم ما این است که ما درباره‌ی تولیدات داخلی تعصب نداریم؛ تعصب در خیلی جاها چیز بدی است اما اینجا چیز خوبی است. ما باید برای تولید داخلی تعصب داشته باشیم. یک جنسی هست که در داخل تولید شده، مشابه خارجی‌اش هم هست — البته آن واردکننده نباید وارد میکرد، حالا وارد کرده — گاهی کیفیت این جنس داخلی از آن جنس خارجی کمتر نیست، گاهی هم بیشتر است، [اما] ما میرویم سراغ جنس خارجی؛ چرا؟ چرا به این کارگر ایرانی کمک نمیکنید؟

بحمدالله مردم بیدارند، مردم ایستاده‌اند، مردم در صحنه‌اند؛ این را در سالهای متمادی، مردم عزیزمان نشان داده‌اند. ملت ایران به همه‌ی کسانی که در اغتشاشات اخیر [مردم را] تحریک کردند یا از اغتشاشات حمایت کردند، سیلی زد و به حول و قوه‌ی الهی در آینده هم ملت ایران به دشمنانش سیلی خواهد زد.

بنده قاطعاً اعلام میکنم که ملت ایران قوی است، ملت ایران در حال پیشرفت است، ملت ایران قادر بر رفع عیوب خود است، قادر به ایجاد تحوّل است، میتواند عیوب را رفع کند، ملت ایران جبهه‌ی مقاومت را حمایت میکند. ما حمایت از جبهه‌ی مقاومت را صریحاً اعلام میکنیم، و حضور در جنگ اوکراین را قاطعاً رد میکنیم. بدروغ ادعا کردند که ایران در جنگ اوکراین مشارکت دارد؛ ابداً چنین چیزی نیست؛ ما هیچ مشارکتی نداریم. جنگ اوکراین را در واقع آمریکا راه انداخت؛ برای گسترش ناتو به سمت شرق، مقدمات این جنگ را در واقع آمریکا به وجود آورد؛ الان هم بیشترین سود را، بیشترین بهره را آمریکا از جنگ اوکراین میبرد. مردم اوکراین بیچاره‌ها دچار مشکلند، سودش را کارخانجات اسلحه‌سازی آمریکا میبرند؛ لذا با اتمام جنگ اوکراین همراهی نمیکنند؛ آمریکا مانع کارهایی است که باید انجام بگیرد تا این جنگ تمام بشود و نمیگذارد؛ آنها از اتمام جنگ اوکراین ناراضی هستند.

خب من در پایان صحبت، عیوب مجموعه‌ی نظام را گفتم و به بعضی از عیوب اشاره کردم؛ بعضی عیوب هم در خود ما مردم هست که اینها را هم باید برطرف کنیم. در بین ما مردم بعضی از عیوب وجود دارد که اتفاقاً مرتبط با مسائل اقتصادی است؛ یکی‌اش اسراف است. ما اسراف

نه، ضعفها هم باید بیان بشود، اشکالی ندارد؛ اما در کنار بیان ضعفها بایستی امیدآفرینی هم بشود، آینده و افق روشن در مقابل چشم قرار بگیرد و نشان داده بشود. وضع ما بحمدالله وضع خوبی است. ما امروز باید این آیهی شریفه را در نظر بگیریم: «وَلَا تَهِنُوا»، سست نشوید، «وَلَا تَحْزَنُوا»، اندوهگین نشوید، «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ»، شما برترین هستید، «إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۱۳) ایمان شما موجب علوّ شما است، موجب برتری شما است. درست عکس وضعیّت ما را امروز در این منطقه، دشمن سرسخت ما یعنی دولت آمریکا دارد. ما میدانیم در منطقه چه کار داریم میکنیم؛ سیاستمان روشن است، راهمان روشن است. آمریکاییها متحیرند که در منطقه بمانند یا از منطقه بروند؛ اگر بمانند، نفرت ملتها از آنها روزبهروز بیشتر میشود. آمریکاییها با قدرت، با نیروهای نظامی شدیدالعمل وارد افغانستان شدند، بیست سال در افغانستان ماندند؛ ملت افغان را از خودشان ناراضی کردند، متنفر کردند، مجبور شدند خارج بشوند. اگر بمانند موجب نفرتند، اگر بروند مطامعشان را از دست میدهند؛ اینجا مطامعی دارند، آمریکاییها در سوریه مطامع دارند، در عراق مطامع دارند، در همهی این منطقه مطامع دارند؛ اگر بگذارند بروند، این مطامع از دست میرود؛ نمیدانند چه کار کنند؛ بمانند، بروند؛ متحیرند. خدا را شکر میکنیم بر اینکه راه ما روشن است، بصیرت ما برجا است، گامهای ما بحمدالله محکم و استوار است و دشمن ما دچار ضعف است.

پروردگارا! روزبهروز بر این موفقیتهای بیغزا، پروردگارا! امام بزرگوار ما را که این راه را به روی ما باز کرد، با اولیای محشور کن. پروردگارا! شهدای عزیز ما را که توانستند این حرکت عظیم را به نتیجه برسانند، با پیغمبر، با

این جنس داخلی را کارگر ایرانی ساخته؛ وقتی شما خریدید، آن کارگر بیکار میشود. جنس خارجی میخرید، آن را ترجیح میدهید به جنس داخلی؛ این اشکال بزرگی است و بر ما وارد است؛ اینها عیوب خود ما است. همهی عیوب، مربوط به تشکیلات نظام و دستگاههای ادارهکنندهی کشور نیست؛ یک چیزهایی هم مربوط به خود ما است

یک جاهایی اغماض و گذشت لازم است، [اما] گذشت نمیکنیم. سر یک اختلاف نظر کوچک، یقهی همدیگر را میگیریم؛ چرا؟ ممکن است دو نفر در یک مسئلهای — مثلاً در یک مسئلهی سیاسی — اختلاف نظر داشته باشند؛ خب داشته باشند؛ چرا باید با هم دعوا کنند؟ چرا باید یقهی همدیگر را بگیرند؟ چرا باید دوقطبی در جامعه ایجاد بشود؟ باید اغماض کرد. یک جاهایی بایستی چشمپوشی کرد، باید اغماض کرد. این هم یکی از مشکلات ما است

یک توصیهی مهمّ من به همهی کسانی که توانایی سخن گفتن با مردم را دارند و رسانه در اختیارشان است — چه در فضای مجازی، چه در مطبوعات، چه در صدا و سیما — امیدآفرینی است. دشمن سعی میکند جوانهای ما را ناامید کند؛ ما باید متقابلاً امیدآفرینی کنیم. مسائل امیدزا در کشور کم نیست؛ همینهایی که من گفتم و ده برابر اینها مطلب هست که همه موجب امید است و انسان را امیدوار میکند. همه موظّفند امیدآفرینی کنند؛ این را جدّی بگیرید

امیدآفرینی، خودفریبی نیست. بعضیها خیال میکنند امیدآفرینی پنهان کردن ضعفها است، خودفریبی است؛

کتابهای انتشارات تحکیم خانواده جشنواره تخفیفات



شهادای صدر اسلام محشور بفرما. پروردگارا! قلب ولّیات و حجّت، ولّی عصر (ارواحنا فداه) را از ما راضی کن؛ دعا و شفاعت او را شامل حال ما بفرما؛ ملّت ما را همواره سربلند و عزیز و خوشبخت قرار بده

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته



•••••
 • @totayar.ir اینستاگرام @sayes_man •
 • @totayar سروش و ایتا و آی گپ •
 • تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹ •
 • www.totayar.ir •
 • www.sayesman.ir •
 •••••

است که در سال برای غذای زندانیان سراسر کشور می‌پردازیم.

وی با اشاره به تعیین رقم ۱/۷ الی ۱/۹ درصدی برای بودجه فرهنگ در همه ادوار دولت، تأکید کرد: همه دولت‌ها نسبت به بودجه فرهنگی عنایت خاصی ندارند و این مسئله مختص دولت فعلی نیست و از گذشته بوده که نتایج این موضوع را هم در ۶ ماه گذشته دیدیم.

این نماینده مجلس افزود: شاید دولت‌ها توجیهی برای این بی‌مهری به بودجه فرهنگی داشته باشند مبنی بر اینکه برنامه قابل قبولی برای فعالیت‌های فرهنگی نمی‌بینند و یا خروجی فعالیت‌های موجود چندان مطلوب نیست، اما باید توجه داشت که فعالیت‌ها در تناسب با میزان هزینه‌کرد انجام شده و به اصطلاح هرچقدر پول بدهند همان قدر هم آس می‌خورند.

دبیر کمیسیون فرهنگی با اشاره به رهنمود مقام معظم رهبری مبنی بر لزوم اصلاح ساختار بودجه تصریح کرد: هم دولت و هم مجلس به این مسئله توجهی ندارند و فقط همان ساختار قدیمی را با اضافه کردن مبالغی هر سال تکرار می‌کنند.

وی افزود: با این بودجه حتی فعالیت‌های موجود را نمی‌توان حفظ کرد چه رسد به ارتقای فعالیت‌ها، خصوصا اینکه فرهنگ به معنی عام خود سبک زندگی و خانواده را نیز شامل می‌شود که با این نگاه به فرهنگ، وخامت وضع بودجه فرهنگی بیشتر عیان می‌شود.

حجت‌الاسلام جلالی متمم بودجه را یک راهکار حمایتی برای تأمین برخی کاستی‌ها در شرایطی که بودجه بسته

سه‌م ۸۵ درصدی هزینه‌های جاری در بودجه فرهنگی



حجت‌الاسلام حسین جلالی، دبیر دوم کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با تسنیم، در خصوص میزان بودجه فرهنگی تعیین شده برای سال جاری گفت: از ۱۹۰۰ همت بودجه کل کشور حدود ۳۸ همت به بخش فرهنگ تعلق گرفته که تقریباً ۱/۷ کل بودجه کشور را شامل می‌شود.

وی افزود: این بودجه فرهنگی باید کفاف هزینه‌های همه مراکز فرهنگی شامل سه وزارتخانه فرهنگ و ارشاد، ورزش و جوانان و میراث فرهنگی و گردشگری به علاوه ۳۲ مرکز اقماری از جمله نهاد کتابخانه‌ها، صدا و سیما و غیره را بدهد که حدود ۸۵ درصد همین بودجه هم صرف پرداخت حقوق و مزایای کارکنان وزارتخانه‌ها و نهادهای مذکور می‌شود.

حجت‌الاسلام جلالی تصریح کرد: از همان ۳۸ همت هم مبلغ بسیار اندکی برای فعالیت‌های فرهنگی باقی می‌ماند که به این ترتیب بودجه فرهنگی فقط دو برابر هزینه‌ای

پوشاک ایرانی اسلامی وجود دارد، اما به نظر من چنین امکانی چندان در فعالیتهای مربوط به کار عمیق و اصیل فرهنگی وجود ندارد.

حجت‌الاسلام جلالی با اشاره به بحث عدالت فرهنگی تأکید کرد: تا زمانی که نقشه جامع آمایش سرزمینی وجود نداشته باشد، عدالت فرهنگی نیز تحقیق‌ناپذیر است بلکه شاهد تبعیض فرهنگی خواهیم بود.

وی افزود: در شرایطی که نقشه آمایش سرزمینی وجود ندارد هر نماینده‌ای که ارتباطات و قدرت و نفوذ بیشتری دارد امکانات بیشتری را برای حوزه انتخابیه خود جذب می‌کند، حال آنکه بسیاری از مناطق و شهرهای محروم ما حتی سینما برای پخش فیلم ندارند.

این نماینده مجلس با اشاره به محرومیت‌های استان‌هایی نظیر کرمان و سیستان و بلوچستان، گفت: اگرچه تهران پایتخت است لیکن میزان ایفای نقش سازمان‌های فرهنگی باید عادلانه باشد.

وی در پایان تحقق عدالت فرهنگی را وظیفه بخش‌های اجرایی دانست و تصریح کرد: آیین‌نامه‌های اجرایی و شیوه اجرا در حیطه اختیارات سازمان‌ها و ادارات است که مجلس در این زمینه قدرتی ندارد مگر از لحاظ شأن نظارتی به مسئله ورود کند که در زمینه بازخواست از مسئولین همان مشکل غیر کمی بودن مباحث فرهنگی مانع محاسبه و مطالبه مجلس می‌شود.

شده، دانست و توضیح داد: چنانچه مراکز فرهنگی، برنامه مدونی تعریف کنند، امکان جذب مبالغی را به‌عنوان متمم بودجه دارند.

وی با اشاره به کیفی بودن امور فرهنگی گفت: به این لحاظ نمی‌توان آن را مانند موارد کمی نظیر فضای سبز، ورزش و یا راهسازی به صورت عدد و ارقام قابل رؤیت درآورد.

این نماینده مجلس افزود: از سوی دیگر اقدامات فرهنگی دیربازده است، از این رو کمتر مورد مطالبه مردم قرار می‌گیرد و از این جهت مسئولین نیز که قدرت مانور بر دستاوردها ندارند، دغدغه چندان برای هزینه‌کرد در بخش فرهنگ از خود نشان نمی‌دهند.

وی اظهار داشت: کار در زمینه فرهنگ نیازمند مسئولینی است که از روی دغدغه و دلسوزی، با صبر و استقامت اهداف و ارزش‌ها را پیگیری کنند و دنبال تقدیر و رأی مردم نباشند.

دبیر کمیسیون فرهنگی، در خصوص نقش بخش خصوصی در تأمین بخشی از سرمایه مورد نیاز در حوزه فرهنگ بیان داشت: بخش خصوصی یا باید نیت الهی داشته باشد و یا از سرمایه‌گذاری خود به دنبال سودآوری است و همان‌طور که اشاره شد فعالیت در این حوزه دیربازده است و اکثر اوقات جذابیت کافی را برای جذب بخش خصوصی ندارد.

وی افزود: البته این مطلب بدان معنی نیست که با انگیزه مادی و کسب درآمد نمی‌توان کار فرهنگی مفید انجام داد، کما اینکه نمونه‌های موفق در تولید لوازم التحریر،

معروف خودش را خواند، بعد حضرت [امام رضا (علیه السلام)] به او جبه دادند، جایزه دادند. خب او آمد بیرون و رسید قم؛ قمی‌ها گفتند که شنیده‌ایم امام به تو جبه داده، آن را به ما بده. گفت نه؛ اصرار کردند و گفتند یک تکه‌اش را بده؛ حاضر نشد. با کاروان راه افتاد از قم خارج شد، وسط راه یک راهزنی، از آنهایی که در بیابان کاروانها را میزنند به اینها رسید و جلوی اینها را گرفت و همه‌ی اموالشان را از آنها گرفت. رئیس دزدها آن بالا، روی یک سنگی نشسته بود. افراد دزد داشتند بار این کاروان را دانه‌دانه باز میکردند، برمیداشتند، چه میکردند؛ او همین طور که نگاه میکرد به عوامل خودش، این بیت را خواند که:

أَرَىٰ ۖ فَيَأْتِيهِمْ فِي غَيْرِهِمْ مُتَقَسِّمًا
(وَ أَيْدِيَهُمْ مِنْ فَيَأْتِيهِمْ حَسْرَاتٍ ۚ ۲)

مضمون شعر این است که من مال خودم را و آنچه متعلق به خودم است، میبینم که دارد از دستم می‌رود. رئیس دزدها [کاروانها را میگفت دیگر؛ همانها را که خودشان از آن فیء (۳) خودشان دستشان خالی است؛ یعنی آن مال خودشان، دست دیگران است. این یک بیت از همان قصیده‌ی [دعبل] است. دعبل گفت که بروید پرسید که این قصیده، این شعر مال چه کسی بود تو خواندی. یکی از کاروانی‌ها رفت، گفت این شعری که خواندی، این بیت، مال چه کسی بود؟ گفت مال دعبل است. گفت دعبل اینجا است. گفت کجا است؛ دعبل را به او نشان دادند. دعبل رفت جلو، گفت بله، این شعر مال من است؛ من [دعبل] هستم. او هم دستور داد که همه‌ی آنچه برده بودند به آنها پس دادند.

من میخواهم این را بگویم: «رسانه» یعنی این. این شعر، من باب‌مثال در ماه رجب در خراسان گفته شده، یک دزد

بیانات رهبری

در دیدار شاعران و اساتید زبان فارسی



بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا
محمد و آله الطاهرين سيما بقیة الله فی الارضين

دلمان برای این جلسه و برای شما دوستان عزیز و شعرای عزیز تنگ شده بود. الحمدلله خدای متعال تفضل کرد و توانستیم یک بار دیگر این جمع را در اینجا ببینیم و از محصول فکر و دل و جان آنها که خیلی هم ارزشمند است، به معنای واقعی کلمه بهره ببریم و لذت ببریم؛ یعنی لذتی که انسان از شعر خوب میبرد، جزو برترین لذتها است.

خوشبختانه قلمرو شعر در کشور توسعه پیدا کرده؛ هم به معنای افزایش شاعر، هم به معنای افزایش مستمع؛ این فرصتی است و از این فرصت باید استفاده کرد. شعر یک رسانه است؛ یک رسانه‌ی اثرگذار است. یک دوره‌ای بوده است که تنها رسانه‌ی تأثیرگذار در عالم — حالا عالم اسلام تا آنجایی که ما بلدیم، می‌شناسیم — شعر بوده. شاعر شعر را میگفت و شعر خوب البته، بسرعت منتشر میشد و مردم آن را می‌شنیدند. دعبل در خراسان آن شعر

یعنی تولید معرفت میکنند، تولید این سرمایه را میکنند، فقط حفظ سرمایه نیست؛ خصوصیت شعر فارسی این است.

مهم این است که این سرمایه‌سازی و پاسداری سرمایه در سخت‌ترین شرایط هم اتفاق افتاده؛ مثلاً در تاخت‌وتاز مغول. شما ببینید، در دوران تاخت‌وتاز مغول، ما عطار داریم، مولوی داریم، سعدی داریم، حافظ داریم؛ اینها همه مال دوران مغول و تیمور است دیگر؛ یعنی وقتی است که کشور در شرایط سخت تاخت‌وتاز بیگانگان قرار داشته، همه چیز کشور تحت تأثیر این بوده، اما معرفت و شعر و معنویت متوقف نشده؛ این خصوصیت شعر فارسی است و ما اینها را باید بدانیم در مورد شعرمان

خب شعرای ما، شعرای برجسته‌ای که حالا بعضی‌شان را اسم آوردیم، مثل ناصر خسرو، مثل نظامی گنجوی، مثل خاقانی، مثل خود مولوی، مثل سعدی، اینها به معنای واقعی کلمه مصداق همان «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا» در آخر سوره‌ی شعراء هستند؛ [انجا که میفرماید] که «وَ الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ * أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ * وَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ» * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَ انتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا»؛ (۵) یعنی مصداق همینند؛ واقعاً این جوری است که شعرای بزرگ ما مصداق این هستند. این گذشته‌ی ما است

امروز، به نظر من، آن تاخت‌وتازی که زمان مغولها اتفاق افتاد دارد تکرار میشود. البته نوع تاخت‌وتاز این مغولهای جدید، مغولهای کراوات‌بسته و پاپیون‌زده و ادکلن‌زده و کت و شلوار پوشیده، با آن مغولها تفاوت دارد، اما تاخت‌وتاز

در ماه شعبان آن را حفظ است و بیتی از آن را میخواند و [به آن] تمثّل میجوید؛ (۴) شعر این جور انتشار پیدا میکرد، این جور پخش میشد؛ رسانه [بود]. امروز البته رسانه‌ها مختلفند، لکن شعر جای خودش را دارد؛ هیچ کدام از رسانه‌ها، مثل شعر، تأثیرگذار به معنای خاص نیستند. البته بعضی از رسانه‌ها، مثل سینما، احتمالاً تأثیر بیشتری از شعر دارند — رسانه‌های تصویری و مانند اینها — لکن تمام میشود، فراموش میشود؛ یک بار شما فیلم را دیدید، دو بار دیدید، دیگر تمام میشود، اما این شعر مانده، میماند، هزار سال این شعر باقی میماند. این، خصوصیت شعر است. بنابراین، شعر یک رسانه‌ی اثرگذار و ماندگار است

یک نکته‌ای وجود دارد در مورد شعر فارسی و آن اینکه جزو خصوصیات شعر فارسی تولید سرمایه‌های معرفتی و معنوی است. در شعرهای دیگر، تا آنجایی که حالا ما میدانیم، نه اینکه وجود نداشته باشد، به این شدت وجود ندارد؛ یعنی ما قلّه‌های شعر فارسی را که نگاه میکنیم، یا حکیمند — [مثل] نظامی یا حکیم فردوسی؛ فردوسی یک حکیم است و شاهنامه واقعاً کتاب حکمت است — یا مولانای معرفت و عرفان و معنویتند یا حافظ قرآنند یا مثل سعدی کتابشان پر از حقایق و معارف حکمی و معنوی است. همین‌طور از آن بالا شما بگیرید بیاید پایین تا برسیم به سعدی، به حافظ، به جامی، به صائب، به بیدل؛ ببینید، اینها همه حکیمند، همه‌ی [اشعار] اینها حکمت است؛ یعنی شعر ما، شعر فارسی، در طول زمان حامل حکمت بوده، حامل معرفت بوده، سرمایه‌های معنوی ما را حفظ کرده و بر آنها افزوده؛ یعنی شما اگر چنانچه در یک حدّ خاصی از معرفت باشید، وقتی که مثلاً مثنوی مولانا را میخوانید، این معرفت افزایش پیدا میکند؛

میتوانستند کاری کنند که غذای مردم، نان مردم داخل کشور نیاید و در کشور به وجود نیاید، حتماً میکردند؛ یعنی اینها این جور هستند. حالا آن قضیه‌ی قحطی دهه‌های چند قرن هم که به جای خود محفوظ؛ (۶) این هم یک جور تهاجم است. علاوه بر این، صدها و هزاران رسانه را در خدمت دروغ و شایعه و انحراف و مانند اینها قرار دادند. الان یک مجموعه‌ی تهاجم و تاخت‌وتاز متنوع، از نظامی گرفته تا اقتصادی، تا [جنگ] سخت، تا [جنگ] نرم، همه جور وجود دارد. خوب، اینجا نقش شاعر چیست؟ من حرفم این است. شعرای ما در یک دوره‌هایی درخشیدند؛ یعنی کاری را که باید میکردند کردند.

امروز هدف دشمن این است که نقاط قوت فکری و معارفی ما را از ما بگیرد؛ ما استقلال میخواهیم، روحیه‌ی ما را تضعیف کند؛ ما میخواهیم در مقابل استبداد غربی استقامت کنیم، روحیه‌ی ما را تضعیف کند، ما را مردّد کند؛ تفکرات اسلامی و معارف اسلامی را در ما تضعیف کند، عمل اسلامی را تضعیف کند، وحدت ملی را تضعیف کند، تدین زن را، حیای زن را تضعیف کند؛ اینها همه، آن نیازهای معنوی یک ملت و یک کشور است؛ اینها دنبال این چیزها هستند. حالا راجع به زن یکی از خانمها خواندند و چقدر هم خوب؛ واقعاً باید از این جور کارها زیاد اتفاق بیفتد، خیلی باید انجام بگیرد.

من میخواهم این را عرض بکنم که غربی‌ها نسبت به زن ایرانی ترحم ندارند که بگویند حقوق زن رعایت بشود، [بلکه] کینه دارند از زن ایرانی. قطعاً اگر چنانچه حضور زنها نبود، انقلاب پیروز نمیشد. من این را [بقطع میگویم]؛ بنده دیگر در متن مسائل انقلاب بودم. یعنی اگر در آن اجتماعات عظیم زنها شرکت نمیکردند، انقلاب پیروز

است، دارند تاخت‌وتاز میکنند. تاخت‌وتازشان چه جوری است؟ خوب ما خودمان لمس کرده‌ایم، نمیخواهد در تاریخ خوانده باشیم. البته اگر کسی تاریخ سیصد چهارصدساله‌ی استعمار را بخواند، میفهمد که اینها با دنیا چه کار کردند؛ استعمارگرها با آسیا، با آفریقا، با آمریکای لاتین، با مجموع قاره‌ی آمریکا چه کردند! آنها یک مسئله‌ی دیگری است. اینها زمان خود ما، یک سگ هاری مثل صدام را تجهیز کردند؛ هم هواپیما دادند که بتواند بیاید بمباران کند، من یادم نمیرود، چون [استفاده از] هواپیما سخت بود، خطر هم داشت، و برای او صرفه در این بود که با توپ بتواند بزند — منتها کجا را بزند؟ خوب دزفول و مانند آن را که میزد؛ میخواست تهران را بزند — فرانسوی‌ها آمدند این لوله‌های توپ بلند را هم برایش درست کردند که توپش به تهران برسد؛ یعنی این جور اینها کمک کردند. کارخانه‌های شیمیایی آلمان در خدمت صدام قرار گرفتند که حلبچه و سردشت و میدانهای جنگ روبه‌رو را با کشتار هزاران نفر، مرکز جنایت خودش قرار بدهد. این کاری است که اینها در ایران کردند؛ تاخت‌وتاز اینها است. این تاخت‌وتاز متنوع است؛ یعنی یک جور هم نیست؛ یک نوعش این است.

تحریم هم جزو تاخت‌وتاز است؛ [مثل] تحریم دارویی. اگر کشورهای غربی بتوانند یک کشوری مثل ایران اسلامی را که دنبال استقلال و دنبال ایستادگی و استقامت است، از مواد غذایی لازم هم محروم کنند میکنند؛ آنها همچنان که داروهای لازم را ممنوع کردند، آن وقتی که واکسن لازم داشتیم پولش را گرفتند [اما] واکسنش را ندادند — در سال ۹۹ پول واکسن را گرفتند و به بهانه‌های مختلف واکسن را ندادند — شک نداشته باشید اگر چنانچه میتوانستند کاری کنند که غذای مردم، نان مردم داخل

من عرض میکنم که امروز همه باید دشمن را بشناسند. همه باید نقاطی را که دشمن، آماج حمله‌ی خود قرار میدهد بشناسند؛ همه باید شیوه‌های دشمن را بشناسند؛ همه باید جایگاه حضور دشمن را بشناسند، مثل جنگ نظامی؛ جنگ نظامی هم همین جور است. شما اگر ندانید دشمن از کجا میخواهد حمله کند، دور میخورید؛ اگر ندانید هدفش تصرف کجا است، بتواند شما را فریب بدهد، دور میخوردید. باید بدانید. در جنگ نرم هم همین جور است؛ باید بدانید دشمن چه کار میخواهد بکند، آماجش کجا است، هدفش چیست و شناسید روشهای او را؛ این را همه باید بشناسند و مقابله کنند، اما از همه لازم‌تر، مجموعه‌ی هنرمندند، مجموعه‌ی فرهنگی‌اند؛ شاعر، نقاش، داستان‌نویس، سینماگر، معمار؛ اینهایی که در مسائل مختلف فرهنگی هستند، باید بدانند امروز ما در مقابل این غارت دشمن و تاخت‌وتاز دشمن قرار داریم؛ هم خودشان باید توجه کنند، صحنه را درست درک کنند، هم به دیگران بایستی بنمایانند؛ باید همه را [آگاه] کنند. منفعل نباید بشوند. امروز خوشبختانه، ما شاعر خوب مؤمن خوش‌قلب معتقد به دین و معتقد به انقلاب کم نداریم؛ خوب یک نمونه‌اش اینجا، شماها هستید

خوشبختانه یکی از کارهای خوبی که شده به وسیله‌ی دستگاه‌های گوناگون، [از جمله] حوزه‌ی هنری و بعضی جاهای دیگر، گسترش این کار در سراسر کشور است؛ یعنی امروز شاعرها از همه‌ی کشور، حتی از روستاها، از شهرهای کوچک، میتوانند خودشان را معرفی کنند، در مراکزی قرار بگیرند، شعرشان را عرضه کنند؛ این [امکان] وجود دارد. خوب شاعر بالاخره احساساتی است، شاعر منعطف است، عاطفی است؛ باید احساساتی نشود. در مواجهه‌ی با مسائل، احساساتی نشوند، فکر کنند و صحنه

نمیشد. اگر زنها میخواستند با شوهرهایشان، با فرزندان‌شان، با پسرانشان در این کار مخالفت کنند، همه چیز جور دیگری تمام میشد؛ در جنگ هم همین جور. انسان وقتی شرح حال این مادرها و همسرها را میخواند، واقعاً منقلب میشود؛ اینها بودند که این شجاعتها را، این فداکاری‌ها را در دل‌های این جوانها و این مردها زنده کردند. اینها از زن ایرانی کینه دارند! خودشان را طرفدار حقوق زن، طرفدار حقوق انسان، طرفدار آزادی معرفی میکنند. همه‌ی اینها. تهاجم دشمن است

خب، حقوق بشر؛ اصلاً انسان تعجب میکند؛ اصلاً تعبیر حقوق بشر به غربی‌ها نمی‌آید؛ همین طور که حالا یکی از آقایان ردیف شعرشان «به من نمی‌آید» بود، (۷) واقعاً حقوق زن، به غربی‌ها نمی‌آید. همین حالا زنها در کشورهای غربی مهم‌ترین مشکلات را دارند؛ یعنی بیشتر از دیگر کشورها. اصلاً اینها طرفدار حقوق بشر نیستند؛ اینها اصلاً حقوق بشر بهشان نمی‌آید؛ دشمن بشرند! حقوق بشرشان را در داعش دیدیم؛ داعشی که زنده‌زنده آدمها را آتش میزد یا در آب غرق میکرد جلوی چشم همه؛ در حمایتشان از منافقین دیدیم؛ در حمایتشان از صدام دیدیم؛ در غزه داریم می‌بینیم؛ در فلسطین داریم می‌بینیم؛ در ترورها داریم می‌بینیم، و در کشتار جوانها؛ اینجا در خیابانهای تهران پاک‌ترین جوانهای ما را، مثل همین جوانهایی که اسم آوردند، آرمان علی‌وردی و روح‌الله عجمیان — اینها واقعاً پاک‌ترین، پاکیزه‌ترین، طاهرترین جوانهای ما بودند — اینها را با شکنجه میکشند، آنها مطلقاً متعرض نمیشوند، یعنی اهمیتی برایشان ندارد؛ تحریک هم میکنند؛ اصلاً یاد میدهند؛ رادیوهایشان، عواملشان این کارها را یاد میدهند؛ اینها حقوق بشر است

سوی دیگر اهمیت مباحث اقتصادی نیز بر این جایگاه سایه افکنده و آن را به لحاظ تعیین بودجه به محاق کشانده است.

رفت و برگشت‌های میان مجلس و دولت برای اصلاح و چکش‌کاری برنامه توسعه، شاید کورسوی امیدی در جهت افزایش حمایت از فعالیت‌های فرهنگی است، راه دیگر اما شاید تصویب تخصیص بودجه‌های حمایتی برای فعالان عرصه فرهنگ باشد که البته چنین بودجه‌های حمایتی مستلزم فائق آمدن نمایندگان بر اختلاف نظرهای داخلی است.

این در حالی است که نهایتاً در سال ۱۴۰۲ تا رقمی حدود ۳۱ هزار و ۲۹۱ میلیارد تومان یعنی رشدی معادل ۱۳ درصد نسبت به سال گذشته برآورد شده است، افزایشی که نباید فراموش کنیم چندی پیش محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در همین زمینه به خبرنگاران گفت بودجه فرهنگی کشور متناسب با مأموریت‌ها و نیازهای واقعی کشور نیست.

در این رابطه با حجت‌الاسلام حسین میرزایی نائب رئیس اول فراکسیون قرآن و عترت و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی به گفت‌وگو پرداخته‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

تسنیم: به‌عنوان اولین سؤال بفرمایید، چرا همیشه به اصطلاح کفگیر بودجه‌های فرهنگی علی‌الخصوص بودجه فعالیت‌های قرآنی به ته دیگ می‌خورد و در بسیاری از موارد دلیل اصلی عدم تحقق برنامه‌های فرهنگی موضوع کمبود منابع مالی مطرح می‌شود؟

یکی از نکات بسیار مهم این است که اصولاً باید بپذیریم طرح‌های فرهنگی به عنوان طرح‌هایی هزینه‌بر در تمامی نقاط جهان شناخته می‌شوند و هزینه در این زمینه یعنی سرمایه‌گذاری که باید انجام شود. اما درباره این سؤال اگر ۶ برنامه توسعه‌ای که تا به حال طراحی شده را بررسی

را درست شناسایی کنند و در مقابل آنچه وجود دارد احساس تکلیف کنند، آن تکلیف را با هنری که خودشان دارند انجام بدهند. اگر چنانچه این کار انجام نگیرد، هر چه [هم] هنر بالا باشد، نمیشود انسان برایش قیمت قائل بشود؛ گفت

می‌نابی ولی از خلوت خُم

(به ساغر چون نمی‌آیی چه حاصل؟) (۸)

باید بیایید درون ساغر تا وسیله‌ی شادی باشید، که یکی از آقایان خواندند

ان‌شاءالله که خداوند به همه‌ی شماها توفیق بدهد و همه‌ی ما را موقّق بدارد که بتوانیم از امکانات ارزشمند و بی‌بدیل کشورمان و نظاممان استفاده کنیم، از جمله هنر و شعر. ان‌شاءالله موقّق باشید. مجدداً تشکر میکنم از همه‌ی شما، از آقای امیری اسفندقه (۹) و از آقای قزوه (۱۰) به خاطر اینکه اجرا کردند، اگرچه خودشان شعر نخواندند؛ ان‌شاءالله در آینده شعر اینها را هم بشنویم والسلام علیکم ورحمة‌الله

کاستی‌های بودجه فرهنگی ریشه در برنامه‌های توسعه دارد



به‌گزارش خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم: توجه به جایگاه واقعی و میزان اهمیت اقدامات فرهنگی نیاز به هوشمندی همزمان سیاستگذاران و قانونگذاران دارد و از

سرمایه‌گذاری انجام شود، در حالی که می‌بینیم در ایران شاید یکی از کمترین سهم‌ها در بودجه مرتبط به فرهنگ باشد که البته برخی آثار و مشکلات آن را در چند ماه اخیر دید به صورتی که بسیاری از کارشناسان این رویدادها را ناشی از بی‌توجهی به بخش‌های مختلف فرهنگی می‌دانند. از این رو برنامه هفتم باید حداقل این ۷ درصد که مطابق با بودجه فرهنگی میانگین کشورهای دیگر است، را به حوزه فرهنگ اختصاص دهد و معتقدیم از این بودجه نیز باید بخش قابل توجهی به فرهنگ قرآن و عترت تخصیص یابد.

تسنیم: استدلال بسیار خوبی را مطرح کردید مبنی بر این که همه دنیا حداقل ۷ درصد کل بودجه را برای فعالیت‌های فرهنگی کنار می‌گذارند بنابراین در کشور ما نیز بودجه فرهنگی نباید کمتر از این نسبت باشد، به نظر شما راهکار چیست و چطور این بودجه را می‌توانیم تخصیص بدهیم؟

بودجه فرهنگی در اکثر کشورها ۷ درصد کل بودجه را شامل می‌شود و کشور ایالت متحده آمریکا ۱۱ درصد بودجه‌اش را به بخش فرهنگ اختصاص داده است در حالیکه این نسبت در کشور ما حداکثر ۳ درصد است.

کمیسیون فرهنگی مجلس هر آنچه در توانش بود به میدان آورده و توانسته رقم بودجه فرهنگی را از ابتدای این مجلس تا به حال چند برابر کند، اما در کمال تأسف باز هم نسبت به میانگین جهانی فاصله داریم. در این زمینه موانع و مشکلاتی وجود دارد که باید با همفکری و استفاده از نظر متخصصان برطرف شود اما واقعیت اینجا است که می‌توانیم از تجارب دیگران و البته ظرفیت‌های موجود برای رفع این خلأ تا رسیدن به استانداردهای بین‌المللی استفاده کنیم، اجازه دهید با مثالی در دشواری

کنیم، متأسفانه شاهد آن هستیم که در تمامی آنها توجه بسیار کمی به بخش فرهنگ صورت گرفته و امید است که در برنامه هفتم تغییراتی انجام دهند تا سهم مناسبی برای مسائل فرهنگی و به خصوص قرآن در نظر گرفته شود.

ما می‌توانیم در تعامل با وزیر ارشاد در خصوص برنامه‌ای که در دولت با تلاش وزارت فرهنگ و ارشاد در حال تدوین است برای اعمال اصلاحاتی توصیه کنیم. اما طبق روال همیشگی از گذشته تا امروز در تنظیم چنین برنامه‌های توسعه‌ی نگاه اقتصادی وجود دارد و آنگونه که باید به اهمیت مباحث فرهنگی توجه نمی‌شود؛ در حالی که سرمایه‌گذاری در موضوع فرهنگ و اصولاً پیوست‌های فرهنگی می‌تواند اثرگذاری موضوع‌های اقتصادی و طرح‌های مختلف را چندین برابر کند، البته تأیید می‌کنم اولویت زمانی ما اقتصاد است لیکن باید برنامه متعادل و همه‌سویگر باشد و بخش فرهنگ مغفول نماند. چراکه بودجه ما در این حوزه نسبت به رنج جهانی و در مقایسه با سایر کشورهای دنیا خیلی کمتر است.

تسنیم: محدوده جهانی در بودجه‌های فرهنگی چقدر است که تأکید دارید ما از آن عقب هستیم؟

براساس اخبار رسمی و برآوردهای انجام شده بودجه فرهنگی در اکثر کشورها ۷ درصد کل بودجه را شامل می‌شود و کشور ایالت متحده آمریکا ۱۱ درصد بودجه‌اش را به بخش فرهنگ اختصاص داده است در حالی که این نسبت در کشور ما حداکثر ۳ درصد است. تعیین سهم بودجه در کشورهای خارجی بیانگر این نکته است که سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگی چقدر اهمیت دارد و چطور باید برای رشد و ارتقاء فرهنگ در جامعه

مدیریت منابع و مشخصاً برای مثال ما در ترویج قرآن را قبول دارید؟

ببینید در موضوع موازی‌کاری خوب این یک ضعف اساسی در بخش‌های مختلف است اما اگر بخواهم مشخصاً در زمینه مسایل قرآنی که شما اشاره کردید پاسخ دهم، مدنظر داشته باشید که کار پژوهشی با کار ترویجی متفاوت است شما در کار ترویجی هرچقدر بتوانید رواج بدهید اشکالی ندارد، مثلاً یک دانشگاه همزمان ۲۰ کلاس ریاضی ۱ برگزار می‌کند و کسی نمی‌گوید که چون دانشکده مهندسی برق برگزار کرده، در دانشکده‌های دیگر نیاز نیست برگزار شود. از این‌رو این تنوع متولیان ترویج قرآن، باعث ترویج بیشتر فعالیت قرآن در فضای جامعه می‌شود. اما در خصوص فعالیت‌های کلان قرآنی درست می‌فرمایید چراکه در فعالیت ارگان‌های کلان متولی قرآن این تکثر منجر به هم‌افزایی نمی‌شود که البته این مشکل و نکته در تمامی مباحث فرهنگی وجود دارد. تسنیم: شما به عنوان عضو فراکسیون قرآن و عترت مجلس، آیا از امکان مشاوره گرفتن از افراد صاحب نظر در این زمینه بهره برده‌اید یا خیر؟

صحبت‌های مختلفی با مسئولین صدا و سیما و آقای جبلی داشتم و وزیر فرهنگ ارشاد و مسئولان مختلف دعوت کردیم که بتوانیم یک فعالیت مؤثری داشته باشیم، نمی‌گویم بیکار بوده‌ایم یا فعالیتی نداشتیم اما آن چیزی که مورد انتظار باشد، خیر. تاکنون انجام نشده است.

تسنیم: آیا خروجی این جلسات به نتیجه‌ای رسیده مبنی بر اینکه مثلاً تمرکز مدیریت فعالیت‌های قرآنی با یک ستادی باشد مثل ستاد کرونا که تعیین کند هر فردی با

تخصیص بودجه به فعالیت‌های قرآنی تجربه‌ای را عرض کنم: ببینید مسجد به شکل طبیعی پایگاه قرآن و فعالیت‌های قرآنی است، از این‌رو بنده پیشنهاد دادم در بودجه ۱۴۰۲ به هر مسجدی که دو نوبت در شبانه روز نمازهای واجب یومیه را برپا می‌کند، سالی ۱۰۰ میلیون تومان پرداخت شود و در خصوص منبع تأمین این مبالغ هم گفتیم هر وقت همه کارهایتان را به اتمام رساندید و همه ردیف بودجه‌ها را تأمین کردید، در این شرایط اگر از فروش نفت مازادی باقی ماند این مبلغ مازاد فروش نفت را به این موضوع اختصاص دهید که با اعتراض‌های زیادی در مجلس مواجه شد این مشکل در سایر بخش‌های فرهنگی هم دیده می‌شود چون همان‌طور که عرض کردم نگاه اقتصادی به برنامه‌های توسعه‌ای سهم بیشتری نسبت به نگاه فرهنگی دارد و در اغلب برنامه‌های توسعه‌ای مسایل توسعه اقتصادی در صدر جدول قرار دارد درحالی که نباید فراموش کنیم فرهنگ به عنوان زیربنای همان اقتصاد است و اکنون در بسیاری از طرح‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که به دلیل عدم پیوست فرهنگی توفیق مناسبی حاصل نشده است و این اتفاق بدون تردید در کلان اقتصاد هم افتاده بنابراین تأکید می‌کنم فرهنگ زیربنا است.

تسنیم: حالا اگر فرض کنیم برای استفاده بهینه از همین منابع بودجه‌ای باید مانع از موازی‌کاری در بخش‌های مختلف فرهنگی شویم و با در نظر گرفتن اینکه شما مثالی در بخش قرآن زدید اجازه دهید سؤالی براساس برنامه‌های قرآنی با رویکرد مصرف بهینه منابع مطرح کنم، ببینید ارگان‌های مختلفی از جمله دارالقرآن‌ها و بخش‌های مردمی، کانون مساجد و بعضی فرهنگسراها در حوزه قرآن کار می‌کنند و شاید یک رویه واحدی وجود نداشته باشد، آیا وجود موازی‌کاری به‌عنوان یک آسیب در

هر جایگاهی چه کاری باید انجام بدهد به گونه‌ای که باعث آسیب به فعالیت ارگان‌های دیگر نشود؟

تسنیم: برای افزایش فضای معنویت و علاقه به قرآن چه باید کرد؟

برای این منظور شورای توسعه فرهنگ قرآنی وجود دارد که زیر مجموعه شورای عالی انقلاب فرهنگی است. در این شورا کارهایی برای برقراری هماهنگی فعالیت‌ها انجام شده که بنده دو سالی هم ناظر این شورا بودم. آنجا یک هماهنگی و یک فرماندهی انجام می‌دهند، لیکن در کمال تأسف مشکلی بودجه دارند به طوری که این بودجه آن قدر اندک است که حتی انسان خجالت می‌کشد آن را به زبان بیاورد و از طرف دیگر در گذشته آن مبلغ اندک نیز خرج فعالیت‌هایی شد که به نظرم خیلی فعالیت موثر و تأثیرگذاری نبود. البته در این دوره بنده داوطلب حضور به عنوان عضو ناظر در این شورا نشدم و موضوعی که عرض کردم در خصوص وضعیت شورا در اواخر دولت قبل بود.

بایستی مجموعه‌های رسانه‌ای به موازات مجموعه رسانه‌ای موجود تربیت بشوند تا با عقیده و یک افق نگاه دیگر شروع کنند به تولید محصولات رسانه‌ای که نسل‌های مختلف جامعه را به سمت قرآن و عترت سوق بدهند به این منظور بایستی از مجموعه‌های فرهنگی هنری دارای جهت‌گیری معنوی برای بهره‌گیری از مباحث هنری، استفاده بشود.

تسنیم: به نظرتان مصوبات این شورا الزام آور است؟

تسنیم: یکی از کارهایی که در زمینه انس با قرآن هر سال در کشورمان انجام می‌شود برگزاری نمایشگاه قرآن در ایام ماه مبارک رمضان است، نظرتان راجع به نمایشگاه قرآن چیست؟ آیا از نمایشگاه امسال بازدید داشتید؟

بله؛ طبق بودجه تصمیم می‌گیرند و بودجه دست خودشان است و خودشان هم انجام می‌دهند. منتهی بودجه‌شان کم است و البته باید مقداری هم در اتخاذ تصمیماتشان حسن سلیقه بیشتری به خرج دهند.

اولاً؛ از برگزارکنندگان نمایشگاه بابت زحماتی که کشیدند، تشکر می‌کنم. همچنین از مردم که استقبال خیلی گرمی داشتند به طوری که حضور بنده در نمایشگاه که چند ساعتی هم به طول انجامید، به دلیل استقبال گسترده مردم از این نمایشگاه همانند شرکت در راهپیمایی بود. تنوع کارهایی که در نمایشگاه انجام شد نیز خیلی خوب بود، به عنوان مثال مقایسه‌هایی که راجع به مقام زن در اسلام با مقام زن در سایر فرهنگ‌ها داشتند واقعا دیدنی و عبرت‌آموز بود. همچنین مجموعه ناقب که در نمایشگاه بحث روضه‌های خانگی را داشتند که می‌تواند به نوعی محافل قرآنی خانگی را نیز شامل شود. اما در کنار این فعالیت‌های شایسته بعضی‌ها بودند که به نام «قرآن بنیان»، حرف‌های دیگران و محتواهای غیر قرآنی را معرفی می‌کردند. همانند این مسئله چند سال قبل که رهبری مسئله علوم انسانی اسلامی را مطرح کردند که

تسنیم: اتفاقاً با یکی از اعضای شورا که صحبت می‌کردیم خواستار این پرسش از شما بودند که بعد از سال ۹۰ و مطالبه رهبری مبنی بر تربیت ۱۰ میلیون حافظ، مجلس چه اقدام مثبتی انجام داده است؟

مجلس قانونگذار و ناظر بر اجرای قانون است و این اتفاق باید در قانون برنامه توسعه بیفتد که تحلیل آن را عرض کردم.

هر جا که مدیر دلسوز و انسان کارآمد و متدین بوده راهش را رفته و آن بخش پیشرفت کرده و هر جا این فرد دلسوز و کارآمد نبوده آن بخش فعالیتها از عرش به زمین خورده، بنابراین معتقدم اگر انسانی مدیر کارآمد باشد چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی آن بخش را از خاک به افلاک می‌رساند به این ترتیب خصوصی یا دولتی بودن را علت تامه موفقیت یا عدم موفقیت نمی‌دانم بلکه علت را ناشی از افرادی که در آن مجموعه کار می‌کنند می‌دانم چراکه نمونه‌های دولتی خیلی خوب یا خصوصی‌های خیلی خوب داشتیم و عکسش هم در هر دوی آنها وجود دارد.

تسنیم: به عنوان آخرین سوال، چه کنیم این توجهی که مردم در ماه رمضان به قرآن دارند در طول سال و در همه ابعاد زندگیشان باشد؟

به‌عنوان یک طلبه خدمتتان عرض می‌کنم، بنده قبل از اینکه نماینده مجلس باشم، ۹ الی ۱۰ سال تجربه مشاوره دارم، به جرئت و با تجربه کف میدان عرض می‌کنم، هر فردی متدین یا غیر متدین و همین‌طور انقلابی یا غیر انقلابی، چه زن و چه مرد در زندگی فردی یا خانوادگی که با فرمانی از قرآن رو به رو شده و این آیات را رعایت نکرده بودند، به مشکل برخوردند اما وقتی که به ایشان تذکر داده می‌شد و عمل می‌کردند زندگیشان تغییر می‌کرد، بنابراین اگر مردم عزیز ما واقعا دلشان بخواهد زندگی سعادت‌مند دنیوی و اخروی داشته باشند نباید از قرآن و عترت فاصله پیدا کنند چراکه اگر فاصله بگیرند نه روزگار خوش دنیوی و نه اخروی خواهند داشت ولی افرادی که به قرآن و عترت نزدیک می‌شوند، خوشبختی و سعادت را بیشتر لمس می‌کنند.

پای بسیاری از پایان‌نامه‌ها این عبارت نقش بست اما وقتی آنها را مطالعه می‌کردیم نه استاد راهنما نه استاد مشاور و نه خود دانشجو اصول اولیه استنباط مفاهیم قرآنی را بلد نبودند ولی یک پسوند اسلامی به عنوان مقاله اضافه می‌کنند. می‌خواهم این نکته را تأکید کنم که خدای نکرده اینجوری نشود که به نام قرآن به کام علوم آمریکایی و انگلیسی و غربی باشد.

تسنیم: در خصوص ظرفیت فضای مجازی هم بفرمایید چگونه می‌توان برای گسترش قرآن در جامعه از آن بهره جست؟

ببینید اکنون با توجه به گسترش ارتباطات مجازی و استفاده از فناوری‌های نوین بدون تردید استفاده از این امکانات برای اجرای برنامه‌های تدوین شده باید در دستور کار قرار گیرد که البته کارهایی هم انجام شده ولی نه تنها در زمینه قرآن بلکه در تمامی بخش‌های فرهنگی تا رسیدن به ایده‌آل در این زمینه فاصله داریم که لازم است برنامه‌ریزی شود. اما درباره موضوع قرآن فعالیت‌هایی با توجه به بازدید بنده از نمایشگاه قرآن انجام شده، اپلیکیشن‌ها، نرم‌افزارها و ... داریم ولی خوب فناوری‌های نوین هر روز در حال گسترش و رشد است و فرصت‌های استفاده بیشتر از آنها در زندگی روزمره ما ایجاد می‌شود که باید از آنها استفاده کنیم. اما مهم‌ترین چیز، تربیت انسان قرآنی است، اگر انسان قرآنی تربیت کردی او خودش راه ترویج آن را پیدا می‌کند و هزار گونه طرح و فکر را تدبیر و طراحی می‌کند ولی دائم در حال ساختارسازی هستیم.

تسنیم: اگر بخواهیم مقایسه کنیم بین عملکرد دو بخش مردمی فعالیت‌های قرآنی مثل دارالقرآن‌ها و نهادهای حاکمیتی متولی قرآن، شما کدام را بهتر می‌دانید؟

مهدی باکری در موقعیت های مختلف

سهیلا سادات حسینی: تهیه کننده: حبیب والی نژاد
بازیگران: هادی حجازی فر، ژیل شاهمی، وحید حجازی فر،
معصومه ربانی نیا، وحید آقاپور و روح الله زمانی
کارگردان: هادی حجازی فر، با مدرک کارشناسی رشته
نمایش عروسکی از دانشگاه تهران و تجربه ی کار تئاتر
برای اولین بار سال ۱۳۸۲ وقتی که ۲۷ سال داشت با
فیلم سینمایی «مزرعه ی پدری» به کارگردانی رسول
ملاقلی پور در صحنه ی سینما ظاهر شد و سپس به
بازیگری و کارگردانی در تئاتر پرداخت، تا اینکه در سال
۱۳۹۴ به سینما بازگشت و با «ایستاده در غبار» در نقش
حاج احمد متوسلیان نگاه ها را متوجه خود ساخت و
نامزد دریافت تندیس زرین بهترین بازیگر نقش اول مرد
در هجدهمین دوره جشن بزرگ سینمای ایران گردید.
حجازی فر پس از آن به بازی در فیلم های نسبت خونی،
ماجرای نیمروز، گیلدا، آرا، دارکوب، آستیگمات، شاه
کُش، کاتیوشا، به وقت شام، لاتاری، ژن خوک، ماجرای
نیمروز: رد خون، منطقه پرواز ممنوع، دوزیست، آتابای و
بی همه چیز پرداخت. که اغلب آن ها در زمان خود مورد
توجه سینما دوستان قرار گرفتند. او برای فیلم ماجرای
نیمروز، تندیس زرین بهترین بازیگر مکمل نقش مرد از
یازدهمین جشن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران، و
برای فیلم لاتاری تندیس حافظ بهترین بازیگر نقش اول
مرد از هجدهمین جشن حافظ را دریافت نمود
سپس به عنوان کارگردان، فیلمنامه نویس و بازیگر فیلم
«موقعیت مهدی»، سال ۱۴۰۰ در چهلمین جشنواره
فیلم فجر حاضر شد و نامزد دریافت ۱۴ جایزه گردید، که

از اینجا مانده و از آنجا رانده

سهیلا سادات حسینی: قبل از آغاز سال ۱۴۰۲ علاقمندان
به سینما مشتاقانه منتظر اکران سینمایی فیلم های برتر
جشنواره فجر در نوروز بودند. اما برخلاف انتظارات
بسیاری از سازندگان فیلم ها به جهت تقارن عید نوروز و
ماه مبارک رمضان، با گمان اینکه مردم کمتر به سینما
می روند. فیلم هایشان را در صف اکران نوروزی قرار
ندادند. بعد از اعلام اسامی فیلم های اکران نوروزی،
موجی از تعجب و نارضایتی از انتخاب های صورت گرفته
ابراز شد. در این خصوص روح الله سهرابی؛ مدیرکل اداره
نظارت بر عرضه و نمایش سازمان سینمایی گفت: «تمایل
برخی صاحبان آثار به اکران هم زمان با عید سعید فطر،
کارچینش فیلم ها و رعایت تنوع مضمونی و محتوایی
آثار را کمی سخت کرد». گمانه زنی غلطی که فیلم های
«کت چرمی»، «بچه زرنگ»، «سینما متروپل» را دچار
چالش نمود. زیرا شانس اکران نخست عید فطر را نیز
نتوانستند بدست بیاورند. شاید اگر هر یک از این آثار در
اکران نوروزی قرار می گرفتند در اوج رونق سینمای ایران
در دوران پسا کرونا گیشه ی خوبی را تجربه می کردند.
اکران نوروزی ای که توانست با رشد چهل درصدی نسبت
به مدت مشابه سال قبل یک میلیون و دویست هزار
مخاطب را فقط تا ۱۳ فروردین به سینما بیاورد

مهدی باکری را تا لحظه ی شهادت نشان می دهد و مخاطب با جمله ی هوشمندانه ی «اگر حمید بود الآن اینجا تنها نبودم» تفاوت بین فرماندهان زمان جنگ را با تمام وجودش احساس می کند.

چنین فیلم هایی با پرهیز از خاص بودن شعارگونه ی شهدا به بیان واقعیات زندگی شان می پردازند و نیازی نیست کسی آن ها را مردمی کند؛ چون خودشان از دل مردم بوده اند و هر کس تصویری از تجاربش را در فیلم می بیند و خود را جزئی از آن می داند. این همان واقعیتی است که فیلم ها باید بر آن اساس ساخته شوند. ارزش ساخت چنین آثاری را رهبری در بیاناتشان اینگونه می فرمایند: «کسانی که امروز مشغول کار و فعالیت در عرصه ی فیلم های با مضامین انقلابی و دفاع مقدس هستند، واقعاً در حال جهاد هستند». انتظار می رود مسئولان در پیروی از رهبر انقلاب برای کاهش سختی های خاص این کارها که مانعی جدی بر سر راه ساخت چنین فیلم هایی است توجه بیشتری نمایند و تدابیری بیندیشند تا باز هم شاهد این قبیل آثار باشیم. نه اینکه کارگردانان به جایی برسند که بگویند دیگر سراغ ساخت این قبیل فیلم ها نمی روند.

توانست عناوین بهترین فیلم، بهترین فیلم اول، بهترین موسیقی متن، بهترین صدابرداری و بهترین جلوه های ویژه میدانی را کسب نماید. او در این فیلم به جای بیان داستان زندگی شهید مهدی باکری؛ شخصیت، سبک زندگی، باورها و نگرش های او را در پرده های متفاوت و در خلال وقایع پیش رو برای مخاطب به تصویر کشید. بخش هایی که در ظاهر مجزایند اما در اصل هر کدام از آن ها قطعه هایی از پازل شخصیت باکری هستند و به بیان موقعیت او در نقش های مختلف می پردازند.

خلاصه داستان: مهدی باکری به خواستگاری می رود. یک قبضه کلت کمری و یک جلد کلام الله مجید را به ... عنوان مهر قرار می دهد و به جبهه بازمی گردد.

موقعیت مهدی: صحنه ی اول فیلم با گویش شیرین ترکی و گرمای دلنشین نور و رنگ استفاده شده در تصویر به همراه گفتگوها و رفتارهایی منطبق بر آن سال ها، موفقیت خود را در شناساندن زمان، شخصیت و خانواده ی مهدی کسب می کند. خلق صحنه هایی ناب و عاشقانه با کمترین گفتگو و بهترین زوایا که زیرکی هادی حجازی فر را در فیلمنامه نویسی، طراحی صحنه و فیلمبرداری به رخ می کشد؛ وی در همان ابتدا مخاطب را آگاه می سازد که صرفاً با یک فیلم جنگی مواجه نیست؛ بلکه قصد دارد. روایت مهدی را در موقعیت های متفاوت به تصویر بکشد. ماجرای شهادت حمید باکری که با انتخاب صحیح بازیگر یعنی برادر هادی حجازی فر در آن نقش قوام بیشتری یافته است. فشارهای کاری، خانوادگی و احساسی او را بیان می کند و در ادامه با نقل داستانی از دو رفیق عمق ایثار و خاص بودن شخصیت مهدی را ملموس می سازد. در صحنه ی نمایش ماجرای شهادتش با دارا بودن جلوه های ویژه ای مسلط بر تجهیزات هر دو جبهه در آن زمان و پرهیز از غلو کردن و کلیشه سازی، پایمردی و ایستادگی

••••• @totayar.ir اینستاگرام @sayes_man

••••• @totayar سروش و ایتا و آی گپ

••••• تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹

••••• www.totayar.ir

••••• www.sayesman.ir

تبریز، شهریار عشق

سهیلا سادات حسینی: شهریار و تبریز آنچنان در هم تنیده شده اند که نمی توانی بدون پرداختن به یکی آن دیگری را بطور جامع بنگری. سید محمد حسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار مورخ ۱۲۸۵/۱۰/۱۰ مقارن با انقلاب مشروطه در شهر تبریز چشم به جهان گشود

پدر وی که به وکالت می پرداخت با دیدن آشفتگی اوضاع جامعه، خانواده اش را به روستای خشکناپ از توابع «قره چمن» فرستاد. این فضای بکر دوران کودکی بعدها موجب خلق شاهکار ادبی «حیدر بابا» به زبان شیرین آذری گشت. کمال تبریزی کارگردان سریال شهریار در خصوص اینکه هیچ بخشی از سریال در تبریز فیلمبرداری نشده است؛ می گوید: «حتی در مورد کوه معروف حیدر بابا یا حتی زادگاه مرحوم شهریار وقتی به آن منطقه رفتیم به جرأت می توان گفت دیگر نشانی از آن همه اصالت و زیبایی ای که شهریار در شعرهایش به آن اشاره کرده وجود ندارد و معماری آن روستا به ملغمه ای تبدیل شده که دیگر نه روستاست و نه شهر! دیدم حتی یک پلان هم نمی شود در آن فضا گرفت». وی مناظر مدنظرش را در روستای «چقا سیاه» جاده ملایر - اراک و «خجیر» در اطراف تهران بخش جاجرود پیدا می کند

شهریار در پانزده سالگی به خواست پدرش تحصیل در دارالفنون را تجربه می کند و سه سال بعد وارد مدرسه ی طب می شود. پس از آن دلباخته ی ثریا دختر صاحب خانه اش می گردد و شرط وصال پایان تحصیلاتش می شود. یک سال مانده به فارغ التحصیلی اش ثریا با پسر عموی رضا شاه ازدواج می کند. وقتی همسر ثریا متوجه عشق شهریار می شود. ابتدا او را زندانی می کند تا به قتل

رساند. اما بنا به درخواست ثریا از جان او می گذرد و در عوض ضمن ممنوعیت تحصیل برای شهریار در سال ۱۳۱۰ او را به مدت سه سال به نیشابور در استان خراسان رضوی تبعید می کند. این امر موجب می شود او بیش از گذشته به استعداد ذاتی خود که در چهار سالگی با نخستین شعرش شکفته شده بود بپردازد. به عنوان نمونه او در هفت سالگی برای عذرخواهی از مادرش اینگونه سرایید:

من گنهکار شدم وای به من

مردم آزار شدم وای به من

در خراسان با کمال الملک دیدار داشت و در سازمان اسناد آنجا مشغول به کار شد. تا سال ۱۳۱۴ که مجدد به تهران بازگشت و به استخدام بانک کشاورزی درآمد. او با شاعرانی چون ملک الشعرای بهار، نیما یوشیج، عارف قزوینی، ایرج میرزا و میرزاده عشقی هم عصر بود. و ارتباطات بسیاری بین آن ها و شهریار وجود داشت. کمال تبریزی بیشتر دیدارهای آن ها و جوانی شهریار را در کافه ی نادری و محله ی پامنار فیلمبرداری کرده است

در سی و یک سالگی پدر و کمی بعد برادر خود را از دست می دهد. به این سبب تصمیم می گیرد. سرپرستی خانواده و فرزندان برادرش را بر عهده بگیرد. در همین ایام راز و نیاز و کشفیات معنوی او بیشتر می شود و به کلی تغییر حالت می دهد. سال ها بعد با از دست دادن مادرش در سن چهل و شش سالگی افسرده می گردد و در بیمارستان بستری می شود. ثریا پس از اطلاع از احوالاتش به دیدار او می آید و آمادگی خود را برای ازدواج با او اعلام می کند. شهریار پس از گریه ی بسیار می گوید:

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا

بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا

عکاس تبریز: سهیلا سادات حسینی



نوش دارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی
سنگ دل این زودتر می خواستی حالا چرا
عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست
من که یک امروز مهمان توام فردا چرا
نازنینا ما به ناز تو جوانی داده‌ایم
دیگر اکنون با جوانان نازکن با ما چرا
وه که با این عمرهای کوتاه بی اعتبار
این همه غافل شدن از چون منی شیدا چرا
شور فرهادم به پرسش سر به زیر افکنده بود
ای لب شیرین جواب تلخ سربالا چرا
ای شب هجران که یک دم در تو چشم من نخفت
این قدر با بخت خواب آلود من لالا چرا
آسمان چون جمع مشتاقان پریشان می کند
در شگفتم من نمی پاشد ز هم دنیا چرا
در خزان هجر گل ای بلبل طبع حزین
خامشی شرط وفاداری بود غوغا چرا
شهریارا بی حبیب خود نمی کردی سفر
این سفر راه قیامت می روی تنها چرا
وی در سال ۱۳۳۲ به تبریز باز می گردد و یک سال بعد
در حالیکه چهل و هشت سال دارد با نوه عمه ی خود در
سن بیست و یک سالگی در حالیکه معلم بود، ازدواج کرد
و صاحب فرزندانی به نام های شهرزاد، مریم و هادی
شدند. پس از بیست سال همسرش در اثر سگته درگذشت.
ادامه دارد....

۰۲۱-۷۷۸۴۹۸۴۹

انجمن
تعلیم و تربیت اسلامی
پارمختص شما

عکاس تبریز: سهیلا سادات حسینی



داستان من: ننه

دیروز در دفتر مجله میزبان دوستم فاطمه بودم. از دانشگاه به دفتر مجله خسته از درس و بحث، در ترافیک، دلگیر و له بود. بی مقدمه گفت از ننه ام بگویم می نویسی؟ تعجب کردم. گفت نه؟! گفت مادر مادر. مادر بزرگی همه در فامیل به او ننه می گفتیم. گفتم بگو می نویسم. گفت ننه خیلی پیر بود. پیرزنی تمیز و کوچولو کوچولو و سفید برفی که تپل و موپل هم بود. همیشه حنای انگشتانش رخ نمایی می کرد. ولی مویی داشت سفید سفید، همیشه روسری نخی گلدارش را سرش می دیدی. می گفتیم ننه روسریتو چرا بر نمی داری؟ نه ننه موهام ریخته زشت شدم. ولی ننه هر چند در نگاه ما پیر بود، اما ۵۴ سال بیشتر نداشت. از همان موقع که یادم می آید ننه پیر بود. ۸ سال داشتم که ۵۴ سالش بود اما در نگاه من خیلی پیر بود. ۱۵ سال داشتم ننه ۶۹ سال داشت و هنوز پیر بود! اما چرا نگاهم امروز به خودم که ۵۴ سال دارم پیر نمی گوید؟

شاید جو حاکم بر نگاهم ۵۴ ساله ها را که می بیند در پارک شادابانه می دون و ورزش می کنند و استخر می روند و یا کویر گردی می کنند، نگاهم را عوض کرده؟ ننه هیچ وقت پیاده روی هم نمی کرد یا از آن خسته می شد. در وسط صحبت فاطمه وارد شدم و پرسیدم اسم ننه چه بود؟

خنده ای مرد و گفت: باورت میشود تا زمان فوت ننه نمی دانستم اسمش چیست! وقتی فهمیدم که سنگ قبرش را

لحظه ای با دکتر: مطالعه ی آرامش برای آسایش

آرامش و آسایش مکان و زمان ندارد؛ اما با توجه به روند جامعه های صنعتی امروزی به وجود آمدن مکان هایی برای آرامش و آسایش ضرورت پیدا کرده است. بر این اساس پویانمایی ای به نام لوپتو ساخته می شود تا به مفهومی از این فضاها و مکان ها را در ذهن ها ایجاد کند. این بار برای رسیدن به آسایش، مکانی به تصویر کشیده شده است که انسانهای به دام افراط و تفریط رفتارهای هیجانی غیرقابل کنترل در آنجا نگهداری می شود. فراتر از اینکه این نگاه تازه در ورود به سینمای ایران با پشتوانه ی بودجه های دولتی مانند سازمان تبلیغات اسلامی چقدر ضرورت دارد و چگونه می تواند با ابزار قدرتمند هنر، فرهنگ سازی نماید؛ باید به این شروع و میمون و مبارک توجه ویژه نمود.

به همین بهانه و با توجه به نوع فرایند فیلمنامه لوپتو که باید بر چه موضوعات و نکاتی توجه می نمود، سعی داریم چند خطی به تبیین و تدوین این مفهوم بپردازیم تا به متولیان و مربیان حوزه ی هنر و فرهنگ برای ورود به این عرصه و ایجاد فرهنگ آرامش و آسایش کمکی هر چند کوچک کرده باشیم.

فیلم بر پایه موضوع مهم رشد هیجان های انسانی می خواهد به پیش برود؛ اما روند را دقیق نمی تواند به ظاهر مشخص کند. هنگامی که به ارزیابی شناختی و عاطفی از زندگی با شخصیت های دست ساز می پردازد، در واقع می خواهد به آسایش و آرامش ذهنی اشاره کند.

بیشتر روانشناسان در این موضوع که آسایش ذهنی مفهومی انتزاعی و چند بُعدی است، توافق نظر دارند و

خواندم. وقتی تاریخ تولدش را دیدم فهمیدم سیده خانم من پیر نبود.

گفتم اسمش چه بود؟ فاطمه گفت خانوم.

دیدم اشک در چشمان فاطمه حلقه زد. گفتم بقیه اش رو دارم ضبط می کنم ها، از ننه بگو... گفت ننه همیشه خانه دایی کوچکم زندگی می کرد. روزهایی که دایی و خانواده اش نبودن یکی از نوه ها می رفت پیش ننه می ماند تا مراقبش باشد. می خندند و می گوید فکر کنم ننه واقعا پیر شده بود یا لوس شده بود؟!

در آن روزها من برای قبولی در دانشگاه خیلی درس می خواندم. روزهایی که پیش ننه بودم هم کتابهایم را می بردم مثلا درس بخوانم که نمیشد. چون ننه حوصله اش تنگ میشد و شروع می کرد به گفتن داستانهای محمود آقا پسر دایی مرحومش و سکینه خاتون بزرگ محله ی قدیمی شون که چندین بار گفته بود و باز دوباره برایم تعریف می کرد. البته اون لحظاتی را که ننه سکوت می کرد تا من درس بخوانم را هم خیلی خیلی خیلی دوست داشتم.

نمی دونم چرا الان تو این خستگی یک دفعه یاد ننه افتادم. شاید آرامشش را می خواهم. چشمان عشق بارش را. بنویس شاید این آرامش که نسل امروز ندیده بتواند از داخل نوشته هایت به خانه های سرد و بی روح ما برود. بنویس ننه چون من از دنیای پر افسانه و تکنولوژی های مبهوت کننده و دانشگاه های مجهزش خسته ام خسته...

دلم یک خانوم میخواد خانومی مثل تو تا برگردم به پیشش و همانطور که در استکانش چای می ریخت، یک قصه قشنگ و آرامش بخش برایم بگوید.. ننه چون دلم برای قصه ی سکینه خانومت تنگه... کاش بیشتر قدر روزهای در کنار هم بودن را بدانیم.

نویسنده: فاطمه محمودی

داد؛ زیرا چنان که عرض شد حدود انسانی در رسیدن به آرامش و آسایش نکته بسیار مهمی است. نکته دیگر که در اشتراک آسایش و آرامش وجود دارد آن است که نباید عقل و عقل ورزی در این حیطه ها را فراموش کرد. عقلی که در مراحل رشد یابد. هر چند در سطوح مختلف و یا در هر مرحله با توهم و یا تخیل همراه گردد. به بیانی ساده تر، توهم و تخیلی مقبول است که به عنوان آرزو و تمایلات دست یافتنی در آدمی باشد و اکنون به دلایل های مختلف از جمله کوتاهی در وظایف. یا کمبود امکانات و از این دست موارد محقق نشده است. با این تفاسیر باید اینگونه نتیجه گرفت که بدانیم، آرامش و آسایش متفاوت هستند. بنحوی که آرامش معطوف به جسم و آسایش مربوط به روح تعریف می شود. آسایشی که راحتی جسم است. بنابراین وقتی مکانی به آدمی تسلی دهد، آسایشگاه نام می گیرد. مانند آسایشگاه جانبازان جنگ تحمیلی و آسایشگاه معلولین یا آسایشگاه سالمندان. ولی آرامش را باید در رهایی از مزاحمت یا آشفتگی تعریف کرد که در اصطلاح عموم مردم شنیده می شود که می گویند، آخیش آرام شدم ... ادامه دارد

به قلم: دکتر یاسر اصلانی

معتقدند که با شاخص های همچون رضایت از زندگی همراه با روحیه ای شاد داشتن که با عواطف هم خوانی دارد، می توان آن را اندازه گیری کرد. در بحث از آسایش یکی از موضوعات مهم به این مسأله مربوط است که برای دستیابی به آرامش ذهن و روح چه کارهایی باید انجام داد؟ در جواب باید گفت همان افکار و تخیلاتی که به انحای مختلف مبدل به یک تولید توسط آن ذهن می گردد. با این نکته مهم که دست ساز و دست پرورده خود فرد باشد. درست مانند آنچه که وقتی کودکی را با خمیر بازی تنها می گذاریم، دست به تولید یک شخصیت یا ایجاد یک وسیله ای که از منظر خودش دوستش دارد یا به آن احساس تعلق می کند، خواهد زد این شیوه، از جمله روش های تخلیه روانی است که هم انسان های سالم و بالاخص بیماران در طیف های مختلف روانی را به آرامش و آسایش می رساند که اگر دیگران نیز از تولیدات او خرسند هم نباشند، به شخصه فرد تولید کننده از تولیدات خود احساس رضایت می کند. بر این اساس، در نگاهی ساده باید گفت تولیدات صنایع دستی و خلق یک آثار هنری هم همین خاصیت آسایشی را به همراه آرامش برای یک انسان سالم به ارمغان می آورد. اما آن دسته از افرادی که نتوانستن یا نیاموختن که این روش چقدر در رسیدن به آرامش و آسایش به آنان کمک می کند در هنگام مبتلا شدن به اختلال از هر نوع آن به این مهم دست می زنند. این گونه است که حتی پرورش یک گیاه برای یک فرد، این احساس را در او به وجود می آورد و به آرامش می رسد؛ اما این مهم را باید مدنظر داشت که نباید از حیطه ی انسانی خارج شد. به طور مثال: پرورش ببر و مار و عقرب در منزل یا مأنوس شدن با حیوان را نباید به آسایش و آرامش روانی نسبت

••••• @totayar.ir اینستاگرام @sayes_man

••••• @totayar سروش و ایتا و آی گپ

••••• تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹

••••• www.totayar.ir

••••• www.sayesman.ir

The enemies have failed in their attempts to isolate Iran



In the name of God, the Beneficent, the Merciful. Praise be to God, Lord of the Worlds, and peace and blessings be upon our Master, Prophet Muhammad and upon his Pure Progeny, particularly the vestige of God remaining on earth, may our souls be sacrificed for his sake.

First, I would like to thank Almighty God for once again granting me the opportunity to be present here among the dear people of this city and its respected pilgrims [of the Imam Reza (pbuh) shrine complex in the holy city of Mashhad] from all around the country after an absence of several years.

This is truly the most prominent and best place in our beloved and vast country. I thank God for meeting with you, our dear, faithful, inspired people, the neighbors and the pilgrims [of the Imam Reza (pbuh) shrine complex], in this important center

and base for spirituality, a place where the Divine angels descend upon.

In the last two, three years, we experienced a general pandemic that, thank God, has been constrained to a considerable extent. I feel it is my duty to sincerely thank all those who made an effort to control this public plague and disease. I thank the researchers who identified this dreadful virus in different laboratories in the country and developed a vaccine for it, as well as those who produced and distributed this vaccine in the country's pharmaceutical and health centers, and also the doctors and nurses who helped deliver the vaccine to our people and those inclined to receive it.

[I would also like to thank] those who volunteered to help and serve patients alongside our doctors and nurses and also those who helped provide protective supplies for the disease, such as vaccines and the provisions that were required to be produced. Let us pray to Almighty God to rid our beloved nation, the Muslim nations and all the people of the world from this calamity.

If, God willing, our dear brothers and sisters can reduce the noise a bit, I will speak to you about the things I have prepared to talk about today. Now in order to quieten down the noise, let's recite a loud salawat.

The topic that I have chosen for today's speech is taken from the New Year Prayer. In the New Year Prayer, we read, "O' Transformer of situations and circumstances,

transform our circumstances to the best of circumstances.” I will talk about transformation today, the transformation of our situation and circumstance.

Of course, you need to ask God [for the things you want], but you also need to make an effort. Prayers, supplications and requests from Almighty God are often answered when a person takes a step in the path of what they have asked God for. You pray for the healing of your illness, but you also visit the doctor at the same time, and Almighty God answers your prayer. We ask God for transformation, but we also need to put in the effort ourselves. When we make an effort, it leads to Almighty God bestowing us with His Grace and the fulfillment of our wants.

On numerous occasions in the past, I spoke publicly about transformations in our society, in the government, and in our country. I will talk a bit more specifically about it today because this issue holds great importance. You see, fundamental issues must be presented to public opinion, so that public opinion can become familiarized with these essential requirements and [that is how] ideas are activated. New ideas, young people with thoughts about important issues that are raised via public opinion, become active and can attain a public quorum in this way.

That is why we raise these important issues, including the issue of transformation. If public opinion fails to welcome an idea, that idea will not transform into action.

It will remain merely as waves in space, a person might say something and then it will either be forgotten or remain as lines of writing on a piece of paper. If we wish for great demands to be realized, they must be discussed with the people, with leading thinkers and with public opinion.

So, I will raise this issue today and discuss some of its aspects and I leave it up to you to continue. It is up to you young people, it is up to you intellectuals, and it is up to the students and academics — you need to sit down and discuss it.

The first thing that I would like to say in this regard is to explain what I mean by “transformation.” What is the meaning of transformation? Transformation means change. What is it that we are seeking to transform and change? This is the most important issue.

The enemies of the Islamic system also talk about change. They too are seeking change, [but] the change they are after is the exact opposite of what we have in mind. They talk about this change and, unfortunately, some people in the country follow them or imitate them and express the same matters with different expressions. For example, changing the constitution or changing the structure of the Islamic system — this is what the foreigners say, this is what the enemies talk about. However, the elements inside the country sometimes repeat those words out of neglect, carelessness, or sometimes they might have other motives.

The thing that the enemy is seeking and is labeling as change is to change the identity of the Islamic Republic. The enemies of Islamic Iran are the Arrogant Powers and Zionism and they are against the Islamic Republic's identity. When they talk about change, transformation, structural change, a revolution, and things of that sort, their intention is to change the identity of the Islamic Republic. Their aim is to eliminate everything that reminds people of the Revolution and of Islam — that is, genuine Islam, revolutionary Islam.

They are against repeating Imam [Khomeini]'s name, they are against any talk about Imam Khomeini's teachings, they are against the issue of Wilayat-e Faqih (the guardianship of the Islamic jurist), they are against the 22nd of Bahman [celebrations], they are against Quds Day, they are against elections in the Islamic Republic and the way that people enthusiastically participate in them. They are against anything that is a strong sign of revolutionary Islam and the Islamic Republic. They want to change these things. When they speak of structural change and transformation, their goal is to eliminate these things, all of these things which in fact happen to be the strengths of our country — they happen to be the strengths of the Islamic Republic!

In short, the enemy's goal is to turn [our] Islamic democracy into a government that [Global] Arrogance wants. They want a government to gain power here in Iran that will act according to what the Arrogant desire. This includes either an authoritarian

government of one person who obeys their orders or a seemingly democratic Western-style government [which is in fact] a democracy of lies and deceit. They want this kind of government to come to power, under their control and in their clutches, so it will act according to their will and remain under their command. This is what they are after.

Arrogance wants a government in Iran which it can threaten or bribe and use threats and bribes to fulfill its wishes — loot the country and gain political and economic dominance. This is what they are seeking. This is the kind of change that the enemy speaks of, this is the transformation that the enemies of the Islamic Republic are conceiving.

The transformation that I am speaking of is completely different from the transformation that is repeated by the enemies. What I mean by the word "transformation" is a change in certain weak sections and points, both in the Islamic system and in Iranian society.

We have flaws, we have weak sectors and certain weaknesses. We must identify these weaknesses, we must identify these points and with full determination — which I will talk about [because] it is not an easy task — we must eliminate the weaknesses and turn them into strengths, some examples of which I will share with you later.

Of course, this is a difficult task. It requires national self-confidence. If a nation believes

in its own talents and capabilities, it will be able to take transformational actions. A self-confident nation can complete transformational actions well. The officials of this nation will have the courage to talk about and make transformations.

Thank God, our nation has self-confidence. Our nation is a self-respecting, self-confident, independent, and brave nation, examples of which you have all seen and I will share a few examples of this later. Our nation has shown on different occasions that it trusts itself and its own capabilities.

The first thing we need in order for transformation to take place is national self-confidence. That is the first thing. The second thing we need is vigilance. If we fail to be vigilant, if we are heedless, we might damage our strengths in the name of transformation. We see this sometimes. Some people care about the [Islamic] system, they like the Islamic system and the Revolution, yet sometimes they are heedless. They become careless and damage our strengths when they attempt to do something good and reform something. We must make sure we don't damage our strengths. So, keep this point in mind.

If we want to prevent any harm to our strengths, we need to recognize them. What are the strengths of our society? We must correctly identify them, focus on them and understand them. I will mention a few of them, of course these are very long and broad issues that intellectuals, especially you the youth should think about and

work on. Dear youth! I have very high expectations of you [audience ardently chants it support]. Thank you, pay attention — today I will only briefly mention a small part of our strengths and leave the rest to you.

One of the most prominent strengths of the Iranian nation and Islamic society is that the inner foundation of our Islamic society is strong and firm. Think about this, this is very important — the strength of the inner foundation of the Islamic system and Iranian nation. I pointed this out previously in one of my speeches, and I will elaborate on it further now.

This stability of the Islamic system's foundation, this strength of the Islamic system's foundation, the inner firmness of Islamic society and the Iranian nation, stems from faith. The people of Iran are religious people. Even those people who may not seem to completely comply with some Islamic rules have good faith in their hearts. They believe in God, they have faith in religion, they believe in the Quran and in the Imams of guidance. Our people have strong beliefs. The Iranian nation has strong beliefs, has self-esteem, and it has confidence. These have caused the inner foundation of the Iranian nation and Islamic system to strengthen. How can we recognize, see, and feel this strength? What are the signs of this strength? I will mention a few of these signs.

The first sign is that the Iranian nation has overcome this decades-long chain of [the

enemy's] consecutive hostilities. Which country or revolution do you know of that has been able to resist and stand firm against the blows of the most powerful countries in the world for so many years, without giving up? The Iranian nation has stood firm against a long chain of the enemy's conspiracies and schemes, against coups, against sanctions, against political pressures, and media attacks. These media attacks that have been launched globally to cause Iranophobia and fear against the Revolution are unprecedented — such a thing has never existed to this extent!

Which nation other than the Iranian nation has been able to stand against these security conspiracies? This is internal stability. This shows that the foundation of the Iranian nation is strong. A clear example of this that everyone has witnessed, was the recent unrest that they started from months before. They started riots and got everyone involved. You see, these are important points. The president of a country like the United States openly supported the country's internal riots. The presidents and heads of states of certain European countries also openly supported the riots, which included an extremely small percent of the Iranian nation — a very, very, very small percent. They not only offered verbal support, but they also offered weapons as well as financial and security support.

They provided all sorts of help and support for these riots. They had prepared themselves to, at minimum, weaken the Islamic Republic. Their plan was to weaken

the Islamic Republic, but what happened in reality was the complete opposite of what they had intended. The Islamic Republic proved to be strong, not weak.

It overcame the riots and a global conspiracy and showed its strength to the world. The 22nd of Bahman [rally] of 2023 was more exuberant and crowded than all the other 22nd of Bahman rallies that took place over the past few years. This shows the internal strength of the Iranian nation. So, the Iranian nation has a strong and stable foundation and one sign of this is that it has resisted and stood firm against great conspiracies.

Another sign is the Iranian nation's great advancements. They do not want these words to be repeated — mentioning and repeating these things makes the enemy extremely upset, but it is the truth. We have had achievements which I will briefly mention that were all accomplished during the sanctions under economic siege and under the most severe, unprecedented economic pressures. This is what the Americans claim themselves. They say the economic pressure that we have put on Iran is unprecedented in history. They are right. Despite all their lies, they are right about this, it is the greatest and most unprecedented economic pressure.

The Iranian nation made progress under these conditions. It advanced in science, it advanced in technology and reached the top ranks of the world in some scientific fields. Some places it is among the top 5

countries, in other areas it is among the top ten countries, and some other places it is among the top 3 countries — out of 200 countries! This is how our scientific and technological advancements are — in nanotechnology, in biotechnology, in different areas.

For example, in the field of health, Iran has had more achievements than many of the world's most developed countries. This proved to be true during the coronavirus pandemic. [We have succeeded] in the nuclear sciences, in aerospace, and in defense. They are all talking about and acknowledging our progress in the field of defense. In order to bring up an excuse to use against Iran, they admit that Iran has progressed in the field of defense and weapons. We have had many achievements in the field of biotechnology. The world praised us. The world's scientists praised our scientists, they praised our young scientists.

We have made progress in the country's infrastructure, such as roads, railways, dam constructions, and water supplies, such as the Ghadir water supply which was recently inaugurated. [We have made progress] in building oil refineries and hospitals, many of which were achieved during the past year. For example, one section of the South Pars Refinery Complex is completely Iranian-made from start to finish. These advancements took place. When? During all these sanctions and economic pressures. The production of liquid gas was also a very important achievement that happened

recently and, God willing, it will open doors for the country. Many other things were also accomplished in previous periods.

We have also made progress in foreign relations. The West applied pressure to isolate Iran. The US and Europe applied pressure so Iran would become isolated. In foreign relations, the term “isolation” means cutting all ties with other countries. When countries do not have any relations with a certain country, they say that country is isolated. What happened in reality was the opposite. Yes, our relations with the West weakened. We had no relations with the US to begin with, and our relations with Europe weakened as well. But our relations with Asia became one-hundred percent stronger, and we will continue to strengthen it. We will continue our political, economic, technological, and scientific relations with the prominent Asian countries.

We became a member of some very important organizations. The enemy wanted to isolate us. But the efforts and abilities of the people of Iran led us to become members of important and influential organizations in the region. Not only did we not become isolated, but, on the contrary, our relations with the governments and nations in the region were strengthened.

Having strong relations with Africa and Latin America is one of our definite plans and, God willing, we will follow up this plan. We have not refused to have relations with Europe and we are ready to cooperate with any European country or government

that does not blindly follow US policies.

We have made these advancements. These advancements show the strength of the foundation of the Iranian nation and the Islamic establishment. These advancements were made possible with faith, national pride, and the need for internal strength. Our people and our officials felt the need to strengthen our internal powers. They understood that depending on others and depending on foreign countries is not something that we can count on — one day they are there, the next day they are not. We need to depend on our own strengths inside the country.

When I announced that we need to have an Economy of Resistance, I mentioned that it should be “endogenous” and “extroverted.” Being endogenous means that internal abilities, skills, and capabilities should be used to help the economy, and being extroverted means we are ready to have economic relations with all countries. We have felt this, that is, the people of Iran have felt it, our youth have felt it, and our officials have felt that they need to depend on their own internal strengths.

Therefore, we have many strengths. I mentioned our internal strengths, and I also spoke about the progress we have made. These exist and there are many other things which now is not the time to be discussed here. These things are our strengths. They should not be damaged. The Islamic system is the “Islamic Republic.” Neither the “Republic” nor the “Islamic” should

be damaged. These are our strengths. In any transformation, these strengths need to be emphasized, they should be increased, the strengths need to be highlighted and expanded.

However, there are also weaknesses alongside these. Transformation refers to changing the weaknesses. I will briefly speak to you about the weaknesses and present two to three points on it.

Let’s say our country happens to have four or five important weaknesses. At the top of these weaknesses lies the issue of the country’s economy. The country’s economy is truly one of our weaknesses. [Of course], many of the economic policies are the legacy of our predecessors. By “predecessors” I mean those [who held power] before the [Islamic] Revolution, and some that appeared after the Revolution. Some of the existing economic problems and economic infrastructures are related to before the Revolution, while others are related to after the Revolution.

Perhaps it can be said that the most important problem concerning our economy, is the issue of governmental management [of the economy]. In the 1980s, the main thing on our mind was to hand over the keys of the country’s economy to the government. This harmed our economy. This issue is related to us. We did it ourselves. Perhaps the most important weakness that is gripping our economy is excessive governmental management.

When people are kept away from economic management and economic activities, big works, important companies, and wealth-creating production for the country are left at the disposal of the government and not those active in the economic field. When these things are not available to the people, we are faced then with the same problems that we are witnessing in our economy today. Our most important problem is that we have a government-controlled economy.

We worked carefully on this with the help of many experts while presenting and announcing the economic policies of Article 44 [of the Constitution related to the privatization of the economy]. The experts worked on it and the policies were announced. The basis of these policies was to hand over the management and economic activities needed by the people to the people.

Of course, there are some sectors that either the people do not want [to be involved in], or there are some that must definitely remain under the authority of governmental organizations. Putting those aside, the important parts of the economy should be at the disposal of the people.

I have repeated this many times before that state-owned enterprises, state-owned companies, quasi-state companies which are referred to by the ugly term “khosoolati” [a combination of the words “private” and “governmental” in Farsi] — it is not a good term, [rather] they are quasi-state companies — should not compete with

private enterprises, and they should leave production up to the people.

The day when we handed over all tasks to the government, we did it with the intention of establishing economic justice; however, economic justice was not established. They mistakenly thought that economic justice would be created if the keys of the economy were in the hands of the government. It was a mistake and such a thing did not happen. The government should reduce governmental management and increase governmental supervision. It should reduce interferences and increase monitoring. It needs to practice vigilance.

One of the biggest flaws, or perhaps the biggest flaw of our economy is this. All of the administrations that came to office were told to implement this handover [to the people]. Some handovers happened, others took place in an incorrect manner. Instead of being handed over for the benefit of the people, in some cases it was handed over to the detriment of the people! This prevented it [the handovers] from happening. Even today, one of the essential tasks that the honorable administration should do is to handover economic management to the people with care, vigilance, and with appropriate monitoring.

Another important flaw of our economy is that it is dependent on crude oil exports. We export crude oil even though we have no authority over it. The one who imports our oil — back when the Europeans used to purchase and import our oil — they made

more profits from oil importation than we did from the oil that belonged to us and that we had taken out of our oil wells and sold to them.

The taxes that they received and the uses they got out of it were more than what the owners of the oil received.

It is the same now. We need to eliminate the dependence of the economy on the exportation of crude oil and focus more on activities that are not related to or dependent on oil which, fortunately, as is stated in the reports [that we have seen], we are moving toward increasing non-oil exports and non-oil economic activities, and good things are being done.

One of the problems of our economy is its dependence on the dollar. Some of the countries that had been sanctioned cut off their dependence on the dollar and their situation improved. We know of some countries currently — I do not wish to name them — that have been heavily sanctioned by the West. They cut off ties with SWIFT, which is an international Western mechanism. They stopped using the dollar and conducted transactions and imported and exported goods using their local currencies. This resulted in an improvement in their situation. We need to do the same.

One of the things that I must say about the economy — these are our fundamental issues and I would like public opinion to pay attention to them, to approve and spread

these issues — one of the most important issues that we need in order to improve the country's economy is continuous and rapid growth. We have had weak economic growth. In the economic policies that we announced to the administrations, we announced an eight-percent growth, this is while in many years in the previous decade our growth was below zero.

In general, when the handover and change of the administration took place, growth was very low. I'm not going to mention the exact numbers, but it was around one percent or less. We need rapid and continuous economic growth. We don't want to have growth in one year and then have a standstill the next. When will we be able to achieve this rapid, continuous growth? When — with the help and guidance of the people — we increase production!

Our respected government officials and also the people's representatives in the Islamic Consultative Assembly (majlis), should encourage people to play a productive role in the economy and guide them in this matter. They need to create trust for the private sector so it can make investments and create jobs. The private sector can do this.

In Bahman [January], I met with some of the country's important technologists in the [Imam Khomeini] Hussainiyah. Some of them spoke and the things they said, the facts they spoke about and the examples they showed there were truly amazing.

What this shows is the capabilities of the Iranian nation.

We have many capabilities. We are capable of doing great things. If the nation's potentials are used in economic issues, people's living conditions will definitely improve, and so will the inflation situation. I announced that the slogan of the year is "inflation control and growth in production." Controlling inflation depends on increasing production, and increasing production is in the hands of the people. If people take action, if they make an effort, this task is achievable and it can be done.

One of the major flaws that we have is that we have not thought about the manner in which people can take part in things. I would like to call on our respected officials, experts in the economic field, and those who are concerned about the country's fate to sit down and find ways in which the public can participate in economic issues.

Whenever the people have joined in, we have made progress. People took part in the Holy Defense and we won. Whenever people participated in the country's political issues, we won, and it is the same with economic issues. If people participate, if the public takes part in it, we will be victorious, we will succeed.

But how can people participate? They need to be shown the outline and plan of how they can enter the economic field. I have, of course, over the years advised and stressed the importance of [creating] and

helping small businesses. There were some unsuccessful experiences in this area. Some things that were done, were not complete or well-considered. These sorts of things need to take place.

One of the problems that our economy is facing is the lack of activity in foreign trade. We have a high domestic production capacity in both the agricultural sector and also the industrial sector. There is also a very vast international market. We can increase and advance foreign trade and, God willing, we can do the work that is really and directly related to people's livelihood and needs.

This is one of the important things that needs to be done. At present, we are not very active in foreign trade. The methods we use are incorrect at times. These things need to be transformed. They need transformation. One of the things that needs transformation is the issue of foreign trade.

I made a recommendation last year that knowledge-based companies should be supported. Fortunately, this was achieved. It was not done to the extent that we had hoped for but, nevertheless, developments were made. Knowledge-based companies have done many things. Their efforts increased, and so did their products and incomes. [Creating] small enterprises and making larger factories knowledge-based are useful measures that can aid this transformation.

Another sector that needs transformation,

which should be paid attention to by the dear brothers and sister of the Islamic Consultative Assembly, is transformation in the legislative sector — in legislation. The general policies of legislation have been announced. These policies should be taken into consideration, and legislation should be done in a more complete and measured way than what is done today.

One of the things that has often been a source of debate between the executive and legislative branches in different administrations and in all periods — thank God the two branches are cooperating and are close to each other in the current period — is this complaint that sometimes in the annual budget law in majlis, definite expenses are approved, but revenues are indefinite. This leads to a budget deficit and, as I said before, a budget deficit is a great economic disaster! These things should not happen. We also have other weaknesses in different fields which I will leave for another time, God willing.

The opposite of this transformational movement in the country — the purpose of which is to consolidate strengths and to eliminate weaknesses — is the politics of the enemies of Islam and the enemies of the Islamic Republic. They strive and work and take action at the exact opposite point of this transformational movement, and their goal is to strike at our strengths, as I mentioned before. We have no choice but to share these things with the public. People must know about them.

On the day when Saddam attacked us [at the beginning of the Imposed War], we informed the people that same day that the country is at war. So, public opinion was involved in the great event of the war. Of course, in this hybrid war that is currently taking place, there is no military attack. The enemy is not attacking militarily. It is doing other things instead. Informing [the people] is necessary here as well, so that the people become aware of the enemy's tactics and policies, and so that they can see events with clarity. Once our dear people become familiar with what is happening, if an incident happens, they will see it with clarity.

Yes, in hybrid warfare there is no military attack, but there is an attack on religious and political beliefs. The enemy's attack is on religious and political beliefs. In Surah An-Naas, when one says, "... from the evil of the devious tempter, who puts temptations into the chest of humans, from among the jinn and humans" (Quran 114:4-6), the devious tempters are these foreign propagandists and their followers inside the country.

They tempt people, and they distort the truth. Their goal is to weaken the determination of the nation. They want to get rid of people's hopes. Their goal is to extinguish the flames of hope in the hearts of our youth. They want to create despair in the youth.

Despair means reaching a dead end. When a young person loses hope in making

progress, when they lose hope in the future, they feel as though they have reached a dead end. You cannot expect a person who feels deadlocked to work properly.

They want to spread discord. They want to create bipolarity in the country. They want to take the real software of the country's national power from the hands of the nation and make it ineffective. This software consists of people's faith, people's religious values, people's national values, people's beliefs. When they do these things, they seek to create instability and insecurity in the country or, if they can, even a civil war. However, they have and they always will hit a brick wall!

In hybrid warfare, the enemy uses the media, cultural elements, security elements, infiltration, and economic elements. It uses all these elements to besiege the nation and create despair among people and make them forget their own potentials.

They try to separate the nation from the means by which they can receive information. Well, we have the tools to inform people, [but] they create pessimism in people. [They say], “don't listen to the radio and television, their news is fake; don't pay attention to the reports made by officials, their reports are fake; don't listen to the words of the Leader, the Leader's words are repetitive.”

Is it repetitive? For years, the enemy front has loudly declared that they want to bring the Islamic Republic to its knees, but in

response to this the Leader says, “You can't do a damn thing!” [audience enthusiastically chants “Death to America”]. This is not repetition, it's steadfastness. Almighty God has commanded us — His command to the Prophet is a command to everyone, it is a command to us — “So be steadfast, just as you have been commanded — you and whoever has turned [to Allah] with you” (Quran 11:112). This is steadfastness. It is preserving and keeping the truth in one's heart and standing by it. This is not called repetition.

Thank God, the people are awake, they have stood up, they are involved in things. Our dear people have demonstrated this throughout the years. The Iranian nation dealt a heavy blow to all those who supported or provoked [the people] in the recent riots, and, by God's power, the nation of Iran will continue to strike blows at the enemy in the future.

I firmly announce that the Iranian nation is strong, the Iranian nation is advancing, the Iranian nation can solve its own problems, it can cause transformation, and that the Iranian nation supports the Resistance. I openly announce our support for the Resistance, and I strongly deny our presence in the war in Ukraine. They falsely claimed that Iran is involved in the Ukraine war. Such a thing is not true — we are not involved at all.

In fact, the United States started this war in Ukraine in order to expand NATO toward the East, the US prepared the war. And

now, it is the US that is making the most profit from the Ukraine war! While the poor people of Ukraine are facing hardships, the American arms industry is making profits. That is why they won't let the war end. America is standing in the way of what is needed to end the war and it won't allow it to happen and they are not pleased if the war in Ukraine ends.

To wrap-up my speech, I have pointed out some of the system's problems and flaws. But some problems lie within ourselves, the people, which we should also fix. There are some flaws within us people that are in fact related to economic issues.

One of them is wastefulness. We waste a lot. We waste water, we waste bread, we waste electricity, we waste gas. We use things wastefully. Some countries which are far more populated than us, use less gas and less petrol than we do. Our petrol and gas consumption is very high and we use them wastefully. We waste water, we throw away bread, and these are very big flaws. We must fix them. I specifically focused on this issue a few years ago.

Another one of our flaws is luxurious expectations. This is why marriages have become so difficult. Our girls and boys reach the age of marriage but are not able to get married. Why? Because their parents feel obliged in front of their relatives. High amounts for "mahr" [obligatory, irrevocable gift given to the bride for the marriage to be legally valid according to Islamic law], luxurious "jahiziyeh" [cultural practice of

buying home equipment and supplies for the newly-wed couple], all kinds of luxuries and expensive celebrations. [So,] The cost of marriage has increased. You need to get out of this competition of luxuries! Some people have started a competition for luxurious consumption — you need to get yourselves out of this! This is one of our flaws.

Another one of our important flaws is that we are not very fond of consuming domestic products. In most places being biased is a bad thing, but in this area it is a good thing. We should be biased toward using domestic products. Say there is a product that is produced domestically, and there is a similar product which has been imported. Of course, that importer should not have imported it, but now they have done so. Sometimes the quality of the domestic product is no less than the imported one, and sometimes it is better quality, but we tend to choose the imported one. Why?

Why don't you support the Iranian workers? Iranian workers have produced that domestic product. When you don't buy their goods, they become unemployed. This is a big flaw that you choose to buy imported products over domestically produced goods. These are our own flaws. Not all flaws belong to the system and governing bodies of the country. Some flaws belong to ourselves.

Sometimes we need to forgive and forget, but we don't forgive. We start a fight over the smallest argument. Why? Sometimes

two people have different views regarding a certain issue, such as political issues. Well fine, but why do they fight with each other? Why do they turn against one another? Why should there be bipolarity in our society? Sometimes we need to overlook and disregard some things. We need to overlook some things. That is another one of our problems.

An important piece of advice I have for all the people who have the ability to speak to people and have any sort of media at their disposal — whether it be social media, television, radio or newspapers — is to create hope. Our enemies try to make our youth lose hope. We should counteract and build hope in them. There are many things to be hopeful about in our country. Besides the things that I have mentioned, there are dozens of other things that can build hope in people. Everyone is obliged to build hope. Take this seriously.

Building hope does not mean that we should fool ourselves. Some people think that creating hope means to cover up our flaws and to fool ourselves. No, our weaknesses should be mentioned and that is fine. But alongside our weaknesses, we should also build hope and see and show a bright future and horizon in front of us. Thank God, we are in a good situation. We need to think about this holy verse: “Do not weaken or grieve, you have the upper hand, should you be faithful” (Quran 3:139). Having faith and believing will give you the upper hand and make you greater.

The situation of our obstinate enemy, the US government, is the opposite of our position in the region today. We know what we are doing in the region. Our path and policies are clear. The Americans are confused about whether or not they should stay in the region. If they stay, the nations will despise them more and more each day.

The Americans entered Afghanistan with power and with strong military forces and stayed in Afghanistan for 20 years. They made the Afghan people loathe and despise them, so they were forced to leave. If they stay, they cause hate, and if they leave, they will lose their ambitions. They have ambitions here!

The Americans have ambitions in Syria, in Iraq, and in the entire region. If they leave, they will lose these ambitions. They don't know what to do — to stay or to go, they are confused. We thank God that our path is clear, that we have insight, that our steps are strong and firm, and that our enemies are weak.

O' Lord! Increase our accomplishments day by day.

O' Lord! Unite our magnanimous Imam [Khomeini], the one who paved this way for us, with Your saints.

O' Lord! Unite our dear martyrs with the Prophet (pbuh) and the martyrs of the beginning of Islam for they were the ones who were able to lead this great movement toward its goals.

O' Lord! Make the heart of your Wali, your Hujjat, the Wali of the Age — may our souls be sacrificed for his sake — pleased with us. Include us in his prayers and intercession and continue to always keep our nation proud, honored, and prosperous.

May God's greetings, mercy, and blessings be upon you.



@sayesman

Wow,
what a feast
of the month

